



نشریه دانشجویی فرهنگی سیاسی صبح دانشگاه  
شماره پنجاه و پنج | هفته آخر اردیبهشت ۱۳۹۷

# چهلمین سالگرد، چگونه در گذشت؟

چهل سالگی پر هزینه، رکود و بی توجهی به سؤالات و ابهامات

- جنگ تمام عیار اقتصادی
- تلگرام و ارز دیجیتال
- زَمَنَ النصر
- نگاهی به یک قانون
- موج فاطمی در یک نگاه
- خدا آورد، کد خدا برد!
- حمایت از حمایت
- دومقاله در باب جامعه ایرانی
- بازخوانی تاریخی تحریم تنباکو
- من راشل کوری هستم (۲)
- نقش مردم در حکومت اسلامی
- ازدواج دانشجویی
- بازگشت به فلسطین



**نشریه دانشجویی****صبح دانشگاه****شماره ۵۵****هفته آخر اردیبهشت****سال ۱۳۹۲****صاحب امتیاز:**

جامعه اسلامی دانشجویان

دانشگاه صنعتی اصفهان

**مدیر مسئول:**

امیر حسن نواب اصفهانی

**نویسندگان:**

زهرا میر جلیلی

مطهره سهرابی

زهرا فولادگر

محدثه محرابی

عاطفه اخلاقیان

جواد برزنه

امیر حسن نواب

امیر حسین حاجیان

سید مهدی مدینه

علی قانعیان

محمد امین برهانی

محمد حسین دهقانی

**سردبیر:**

محمد امین برهانی

**ویراستار:**

امیر محمد یوسفی

پوریا نصر

مجتبی مطیعیان

**صفحه آرا:**

محمد امین برهانی

محمد حسین دهقانی

عکس جلد از خبرگزاری snn

**شمارگان:**

۸۰۰ پگاه

نقدها و نظرات خود را از طریق

ایمیل و یا ربات تلگرام در اختیار

ما قرار دهید.

ایمیل info@jadiut.ir

کانال تلگرام @jadiut

سایت www.jadiut.ir

کانال آپارات jadiut

اینستاگرام @iutjad

جامعه اسلامی دانشجویان  
دانشگاه صنعتی اصفهان**سرمقاله (محمد امین برهانی)**

ماه مشتاقان حضرت حق فرارسیده و رحمت لایزال الهی، راه انسان سازی را هموار ساخته است. فرارسیدن ماه رمضان را به همه مسلمانان تبریک عرض می کنم. فلسطین مسئله اول دنیای اسلام است، این کلام هر روز که می گذرد بیشتر نمایان می شود. شهادت بیش از ۵۰ نفر از فلسطینی ها را در روز نکبت صهیونیستی را تسلیت می گوئیم. به امید روزی که همه فلسطینی ها به سرزمین مادری خویش بیت المقدس، باز گردند.

«ماجرای اعتراضات به جشن چهل سالگی»

کمتر کسی در دانشگاه هست که از این اتفاق باخبر نشده باشد؛ اگر هم اطلاع ندارد، در این شماره، مقاله ای تفصیلی به این موضوع پرداخته است. ریخت و پاش و اسراف در بیت المال در این جشن بسیار مشهود بود. خبرهای غیر رسمی از ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد را برای جشن تخمین زده اند. از جانب نشریه صبح برای پیگیری قوی که دکتور معصومی، معاونت مالی دانشگاه به ما داده بود، برای گرفتن لیست هزینه های این جشن، به ایشان مراجعه کردیم؛ ولیکن دست خالی برگشتیم. چرا که گفتند هنوز فاکتورها به دستشان نرسیده است! و از قیمت دقیق آن هنوز آگاه نیست. از ما خواستند چند هفته دیگر دوباره مراجعه کنیم. پخش لیست هزینه ها دیگر در نشریه صبح امکان پذیر نیست. اما مسئولین دانشگاه برای از بین بردن این شایعات شفاف سازی کنند و ما نیز پیگیر این موضوع خواهیم بود.

اما توجهی که از زبان بسیاری از مسئولین دانشگاه، برخی فعالین تشکل ها مطرح می شد این بود که جشن برای ارتقا جایگاه دانشگاه و کسب اعتبار دانشگاه

است. باید در پاسخ گفت دانشگاهی که قرار است اعتبار خود را از جشن های این چنینی کسب کند؛ بودنش مضر است. این آسیبی است که گریبان گیر انقلاب اسلامی ما نیز شده است. رشد تفکر اشرافی هم از همین توجیه شروع شد. دانشگاه باید از رشد علمی، اثر گذاری اجتماعی و حل مسائل فراوان صنعت جایگاه کسب کند نه این چنین چهره سازی های دروغین و بزک کردن های مسرفانه آن هم از پول بیت المال. رئیس دانشگاه از جیب خود ده میلیارد هم خرج کند مانعی نیست به خودش مربوط است ولیکن این پول از بیت المال صرف شده، بیت المال که باید در قامت ناموس مسئولین باشد این چنین به آن تجاوز می شود.

«پیگیری های صبح در چند شماره اخیر»

در این سه شماره تحریریه نشریه صبح تلاش کرد پیگیر مطالباتی باشد که به شفافیت و عدالت خواهی در مسائل درون دانشگاه مربوط است. مسائلی که از آن فساد و ناکارآمدی برمی خیزد، انتخاب افراد ناشایسته برای مسئولیت ها، عدم شفافیت مالی دانشگاه بخصوص در اموری که تراکنش مالی بالایی دارد و بی توجهی به طرح تحول از جمله آنها بودند. اما در واکنش به این مطالبات پاسخ مناسبی و واکنش اصلاحی آشکاری ندیدیم.

در پایان آخرین سرمقاله، باید از همه کسانی که ما را در این امر یاری کردند، نویسندگان، طراحان، ویراستاران، جناب آقای فولادگر (مسئول نشریات دانشگاه) که ما را بسیار تشویق کردند و دکتر سلمانی که بسیار از ایشان آموختیم و سایر افراد که ذکر نامشان در این موجز نمی گنجد، تشکر می کنیم و توفیقات الهی را خواستاریم.

# فهرست

**۲/ زمن النصر****۳/ تلگرام و ارز دیجیتال****۵/ جنگ تمام عیار اقتصادی****۶/ بازخوانی تاریخی تحریم تنباکو****۷/ موج فاطمی در یک نگاه****۹/ خدا آورد... کد خدا برد!****۱۰/ حمایت از حمایت****دومقاله در باب****جامعه ایرانی / ۱۳****چهلمین سالگرد چگونه****در گذشت؟ / ۱۱****نقش مردم در حکومت اسلامی / ۱۷****از دواج دانشجویی / ۱۹****نگاهی به یک قانون / ۲۰****من راشل کوری هشتم / ۲۱****بازگشت به فلسطین / ۲۳**

محبوبیت و مقبولیت در بین مردم به خاطر صدق گفتار و عمل حزب ... است اما به نظر بنده جدای از مقبولیت و محبوبیت این حزب که به خاستگاه آن در اذهان مردم به طور مختصر اشاره کردم، شاید مهم ترین دلیل پیروزی نسبی حزب ... این بود که اکثر رأی دهندگان لبنانی به خبث طینت رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و اصالت داشتن دشمنی آن‌ها با مردم و ملت لبنان باور قلبی پیدا کرده‌اند. اسرائیل و هم‌پیمان‌های او در منطقه همان‌طور که دیدیم تمام تلاش خود را کردند تا مردم را به این نتیجه برسانند که پیروزی حزب ... نقطه‌ی شروع مشکلات عدیده‌ای خواهد بود که زندگی را برای آن‌ها جهنم خواهد کرد؛ مثلاً چند روز قبل از انتخابات بمب‌افکن‌های خود را در آسمان ضاحیه به پرواز درآوردند تا پروژه‌ی سایه‌ی جنگ را اذهان عمومی تقویت کند و هم‌فکران او در فضای رقابتی نیز به این هراس افکنی‌ها دامن زدند تا این فرضیه را به اثبات برسانند ولی در عمل دیدیم که باور قلبی‌ای که ایجاد شده است تا حد مطلوبی مانع کارگر شدن این تیرهای زهر آگین رسانه‌ای در قلب و ذهن مردم شد.

اگر ملتی به این باور رسید که نزاع میان حق و باطل سوء تفاهم نیست و مسئله مورد بحث بنیادین و ریشه‌ای است و بود یکی در نهایت به نیستی دیگری می‌انجامد، آنگاه به شکل دیگری در سطح اجتماع کنش‌گری خواهد کرد و نظرات معنادارتری را به حاکمیت و دنیا منتقل خواهد کرد. نظر بنده این است که ملت لبنان به برکت حزب ... و رشادت‌ها و مجاهدت‌های غیور مردانی همچون امام موسی صدر، شهید عماد مغنیه و شهید مصطفی بدرالدین پا در این مسیر مقدس گذاشته است و پیشرفت‌های قابل توجهی هم کسب کرده است که پیروزی نسبی در انتخابات یکی از نموده‌ها بیرونی آن است.

امیدوارم روزی شاهد این باشیم که تفکر و خط و مشی حزب ... در بین همه‌ی مردم این کشور نهادینه شود.

در پایان این چند خط نوشته را بادل نوشته‌ای که اخیراً در فضای مجازی منتشر شده بود به پایان می‌رسانم و لازم می‌دانم این پیروزی معنادار و شیرین را به همه‌ی دانشجویان عزیز خصوصاً دانشجویان لبنانی دانشگاه صنعتی اصفهان تبریک عرض کنم.

"پنج‌سال پیش بسیاری از جوانان شیعه لبنان آینده را در دست‌فروشی و تن‌فروشی می‌دیدند، اما امروز حزب‌الله لبنان با درایت و تدبیر شگفت فخر اسلام و شیعه، جناب سید حسن نصر... به چنان اقتدار و جایگاهی رسیده که مسیحیان با کلماتش هم‌نوا می‌کنند و آینده‌ی فرزندان خود را در صلابت و بینش او می‌جویند؛ بکم سُنْعِیرَ الدنیا و یسمع صوتنا القدر، بکم نبنی الغد الأملی؛ با شما دنیا را عوض می‌کنیم و تقدیر صدایمان را خواهد شنید و با شما فردای دلپذیر را می‌سازیم.

در لبنان غالب دُرزی‌ها و مسیحیان و اهل سنت، او را صادق‌ترین رهبر سیاسی می‌دانند و حتی دشمنانش در تل‌آویو می‌گویند به سخنان او بیش از حرف‌های رهبران خودمان اطمینان داریم.

دوستانش تسلیم اراده اویند و او را استاد مسلم و خبره‌ترین کارشناس جنگ روانی می‌شناسند.

اما امروز هر درخشش و توفیق حزب ... حاصل بذرهایی است که امام موسی صدر در تهایی و غربت افشانه بود، همه لحظه‌هایی که عرق ریخت و تلخی دید و ناسزا شنید.

غربت‌ها و خستگی‌ها را او کشید تا روزی که با درخشش انقلاب اسلامی خیزشی عجیب روی داد و چنین رویش و درخششی برای فرزندان او رقم خورد.

چه قدر جای خالی است امروز تا ببیند مرارت‌های او چه شیرین و گوارا به بار نشسته است .... "



## زمان پیروزی

امیرحسین حاجیان / مکانیک ۹۳

یکی از شیرین‌ترین خبرهایی که چند روز اخیر در فضای رسانه‌های منتشر شد، خبر پیروزی نسبی حزب ... در انتخابات پارلمانی لبنان بود. حزب ... با وجود حجم زیاد تبلیغات منفی و مسمومی که علیه اش توسط افراد مختلف و در قالب‌های متنوع وجود داشت توانست ۶۷ کرسی از ۱۲۸ کرسی پارلمان را به دست آورد. این پیروزی از نظر و دیدگاه‌های افراد متعددی موردبررسی قرار گرفت.

البته تحلیل‌گران تحلیل‌های متفاوتی را نسبت به چرایی وقوع این رویداد ارائه کردند؛ به‌طور مثال بعضی از تحلیل‌گران احتمال این را می‌دادند که چون حزب ... در خط مقدم درگیری‌های منطقه حضور فعال داشته است، باعث شده از محبوبیت حزب ... در میان مردم لبنان کم شود و پیش‌بینی آن‌ها این بود که این حزب در انتخابات پارلمانی با بحران مقبولیت روبه‌رو خواهد شد اما پس از انتخابات و بررسی نتایج آن دیدیم که این تحلیل به کلی نادرست بود. تحولات این حزب در دهه ۹۰ میلادی، به حدی بود که شگفتی تحلیل‌گران و ناظران امور خاورمیانه را در پی داشت. به‌طور مثال نیکولاس بلاند نورد، خبرنگار مقیم لبنان در مورد جایگاه حزب ... در میان اقشار مختلف مردم لبنان می‌گوید: "علاوه بر اینکه حزب ... لبنان به‌عنوان یک حزب شیعه توانسته نسبت به سایر احزاب سیاسی در جامعه طایفه‌ای لبنان، احترام و همدلی قابل توجه و برجستگی خاصی را کسب کند، توانسته در چارچوب نظام سیاسی لبنان، چهره‌ی مهربان و منعطفی نسبت به طوایف غیر شیعه به نمایش گذارد و احترام زیادی از سوی سایر گروه‌های اجتماعی برای خود کسب کند؛ این میزان محبوبیت حاکی است که حزب ... روندی درست و موفق آمیزی را در پیش گرفته است."

حزب ... جای خود را در میان قلوب مردم لبنان باز کرده است و این



# تلگرام و ارز دیجیتال

زهرا فولادگر / برق ۹۵  
محدثه محرابی / برق ۹۵

مواقع خاص به آن داده‌ها دسترسی داشته باشند. اگر بخواهیم تکنولوژی بلاک چین را به زبانی ساده تعریف کنیم بهتر است با یک مثال ساده شروع کنیم. وقتی شما پولی را در یک بانک سپرده گذاری می کنید، آن‌ها اطلاعاتی را در مورد سپرده شما و حساب شما در یک پایگاه داده بزرگ ذخیره می کنند. بیت کوین هم کار مشابهی را برای حفظ اطلاعات حساب‌های کاربران انجام می دهد، اما برخلاف یک بانک، در بیت کوین با توجه به ماهیتی که دارد نمی توان به یک قدرت مرکزی که پایگاه داده را برای کاربران مدیریت و ذخیره کند، اعتماد کرد.

بیت کوین این مشکلات را با تقسیم کردن پایگاه داده به مجموعه‌های کوچکی که «بلاک‌ها» نامیده می شوند حل کرده است. هر بلاک یک جور برچسب است که آن را به بلاک قبلی پیوند می دهد به ترتیبی که هر کسی می تواند تمام پایگاه داده را که از این قسمت‌های مجزا تشکیل شده گردآوری کند؛ به عبارتی هر کسی که از بیت کوین استفاده می کند، یک نسخه از کل پایگاه داده را که زنجیره بلوک نامیده می شود ذخیره می کند و این مجموعه‌های بسیار کوچک را بین هم رد و بدل می کنند. زنجیره بلوکی میان تمام کاربران بیت کوین به اشتراک گذاشته شده است و همین ویژگی است که می تواند احتمال هک شدن سیستم را تا حد زیادی کاهش دهد.

بیت کوین تنها نقدینگی رمز پایه‌ای نیست که وجود دارد و انواع ارزان تر و کوچک تری هم مثل مونره، اتریوم و ریبیل وجود دارند که اکتشاف آن‌ها به سختی بیت کوین نیست و در بعضی موارد کم ارزش تر و کوچک تر هستند. اخیراً مدیر تلگرام نیز اظهاراتی مبنی بر ایجاد ارز دیجیتالی مختص به خود را کرده است که در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

ارز دیجیتالی تلگرام- gram

آقای پاول دورف، موسس تلگرام، قصد دارد فناوری بلاک چین اختصاصی خود را طراحی و راه اندازی کرده و ارز مخصوص خود را در اختیار کاربران قرار دهد. نام پلتفرم بلاک چین تلگرام به اختصار TON (the open network) است.

فرض کنید شما میخواهید با فردی در فرانسه مبادله ارزی انجام دهید نخستین کارهایی که باید انجام دهید چیست؟ به صرافی یا بانک بروید، معادل ریالتان یورو بخرید، سیستم بانکی، ارز را به مقصد مورد نظرتان حواله کند و در بانک مقصد به حساب طرف معامله شما واریز شود. حال مشکل چیست؟ علاوه بر کارمزد هایی با درصدهایی نه چندان اندک، تمام جزئیات مبادله شما قابل ردیابی است. اکنون چند سالی است که در مقابل این ارزهای رسمی هر کشوری، ارز دیجیتال که یک فرم از پول الکترونیکی است، مطرح گردیده که از رمزنگاری برای انتقال در اینترنت استفاده می شود. توضیح در مورد این فرم از پول الکترونیکی را با بیت کوین که اولین و معروف ترین ارز دیجیتال است شروع میکنیم.

از تفاوت های ارز دیجیتال با ارز های متداول فعلی، می توان حذف واسطه ها (اعم از تشریفات بانکی، بروکراسی اداری و...) و هزینه های تبدیل ارز را بیان کرد. در واقع بیت کوین در ایران همانگونه شناخته میشود که در آمریکا.

علاوه بر این می توان گفت دولت ها دیگر تسلطی بر تراکنش های مالی صورت گرفته ندارند (در ادامه به این موضوع بیشتر پرداخته میشود). هر چند این مورد برای حکومت هایی که بر این شرکت ها سلطه دارند صادق نیست. حتی میتوان یکی از علت های پیدایش بیت کوین را فریب تبهکاران و یا افراد یا دولت هایی دانست که به دنبال پول شویی یا گم کردن ردهای مالی خود از دید دولت هایی مانند آمریکا هستند و فکر می کنند که بیت کوین قابل ردگیری نیست. به عبارتی دیگر سازندگان این ارز دیجیتال به احتمال زیاد به دنبال این موضوع نیز بوده اند که تبهکاران برای پول شویی یا افراد یا گروه های مورد تحریم های آمریکا به جای اینکه برای معاملات خود به سمت تراکنش های غیر قابل ردگیری مثل طلا بروند، تمایل به استفاده از بیت کوین پیدا کنند تا در صورت لزوم قابل شناسایی باشند. (که این امر نشان دهنده کنترل جهانی دولت های مسلط بر جریان های مالی است). تاریخچه ی تمام تراکنش ها روی بلاک چین ذخیره می شود و در دسترس همه روی شبکه قرار دارد. البته آدرس ها رمزنگاری شده هستند و ماموران امنیتی مخصوص می توانند در

مردم قرار میدهند. هم چنین ارزهای مجازی به هیچ عنوان ثبات ندارد. و ممکن است در چند سال آینده در اثر برخی اتفاقات مانند رشد پیام رسان دیگر با قابلیت های بیشتر و عرضه ارز دیجیتال جذاب دیگری، ارزش گرام به یک باره سقوط کند. در اثر آن به زندگی بخش عمده ای از مردم کشور آسیب جدی وارد می شود.

و دیگر اینکه وقتی یک واحد پولی جدید بین مردم کشور باب شود و مردم بتوانند با آن خریدهای روزانه خود را انجام دهند و اتفاقاً ارزش پولی آن از پول رسمی کشور بالاتر باشد باعث می شود که مردم به سمت این پول تمایل پیدا کنند و پول رایج کشور به تدریج کنار گذاشته شود و به ارز خارجی در بستر تلگرام که به راحت ترین شکل در دسترس است تبدیل شود. مشابه همین اتفاق در ونزوئلا باعث افت شدید ارزش پول این کشور در برابر دلار شد و مردم این کشور در مبادلات روزانه خود دلار را جایگزین پول ملی کردند.

اگر وضعیت اقتصادی کشور به این پیام رسان منتقل شود، از این پس مسولان و مردم کشور مجبور خواهند بود در هر شرایطی با تلگرام همکاری کنند و تابع سیاست های آن باشند.

حال این نکته حائز اهمیت است که آیا فیلتر کردن تلگرام به دلایلی از جمله تضعیف پول ملی، خارج شدن ارز از کشور، انحصار پیام رسان خارجی و... بهترین راه حل و حل کننده مشکلات ارزهای دیجیتال (که در حال گسترش نیز هست) می باشد؟!

منابع:

[www.mashregnews.ir](http://www.mashregnews.ir)

[www.cioniran.com](http://www.cioniran.com)

[www.arzdigital.com](http://www.arzdigital.com)

و افراد مطلعی که با ارز دیجیتال معامله کرده بودند.

شبکه آزاد تلگرام (TON) یک بلاک چین نسل سوم خواهد بود؛ شبکه تلگرام تلفیقی از یک سیستم مالی خصوصی بدون نظارت شرکتی یا دولتی است. قابلیت دیگری که تلگرام با استفاده از شبکه بلاک چین برای خود خواهد ساخت، ضد سانسور یا همان فیلتر نشدن است. در این شبکه هر گونه نظارت دولتی بر اینترنت محدود می شود و هیچ ارگانی قادر نخواهد بود این شبکه را از دسترس کاربران خارج سازد- مگر اینکه اینترنت به طور کامل قطع شود.

حال تاثیری که ارز دیجیتال بر اقتصاد کشور های گذارد چیست؟

از اساسی ترین ابزارهای اقتصادی حاکمیتی، تاثیر گذاری بر ابزارهای پولی و بخش عمده نوسانات بازار پول می باشد. دور زدن حاکمیت های ملی و قدرت اقتصادی-سیاسی کشور در این حوزه سبب می شود این قدرت در اختیار کمپانی های خارجی و پیرو سیاست های آنها قرار گیرد. یکی از درآمدهای اصلی که دولت باید بر آن تکیه کند مالیات است. در استفاده از این ارزها یک چالش، شکل گیری بازار زیرزمینی پول و عدم امکان رصد و گرفتن مالیات ستانی بر اساس تراکنش های مالی افراد است.

از دیگر اشکالات ارزهای دیجیتال امکان انجام معامله در بازارهای غیر رسمی و غیر قانونی از جمله: مواد مخدر، قاچاق، بازارهای زیر زمینی (dark web) بوده و همچنین معاملات آنها قابل پیگیری نیست و افزایش فساد مالی را در پی دارد.

همچنین اگر سیاست حاکمان این شبکه بر کلاه برداری یا کم کردن ارزش این ارزها قرار بگیرد، دولتی پشتیبان این ارزها نیست.

اما چرا گرام تهدیدها را بیشتر میکند؟

گرام، چون برای اولین بار از بستر شبکه اجتماعی استفاده میکند میتواند بسیار رایج و متداول شود و به روش های مختلف میتواند تا ۵۰ میلیارد دلار ارز از کشور خارج کند؛ قابل ذکر است که در قبال پول خارج شده هیچ کالایی وارد کشور نمیشود و فقط مجموعه ای عدد در اختیار





# جنگ تمام عیار اقتصادی

مطهره سهرابی / نساجی ۹۶

از مشکلات باید از مبنای معاملات خارج شود. امروز کشور در محاصره ی اقتصادی است و منشا اصلی این فشارها آمریکاست برای اینکه مردم در مقابل حکومت قرار بگیرند و مسائل اقتصادی بهانه ای باشد برای تحریک مردم به اغتشاش و ... در نهایت دنبال کردن اهداف و منافع خودشان.

با وجود سقوط علم اقتصاد لیبرالی اجرای سیاست های غربی چیزی به جز فقر و وابستگی بیشتر برای کشور ندارد. اقتصاد مبتنی بر سود بیشتر با نام دروغین یکی شدن ایران با تجارت آزاد جهانی، دامی است که فرهنگ و سیاست و اقتصاد برزیل و مکزیک و آرژانتین و هند و مصر و چین در آن حل شدند و باعث تخریب تمام زیرساخت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هر کشوری میشود.

فقر و تبعیض و اختلاف طبقاتی، ربای بانکی، افزوده شدن ثروت عده ای محدود و بدهکارتر شدن عموم مردم ایران، نتیجه ی اجرای همین سیاست ها در اقتصاد تقلیدی ما است! رانت خواری، اختلاس و دزدی های کلان، بخشی از نتایج این الگو در کشوری است که باید با اسلامی سازی و تغییر ماهیت بانکداری اقتصاد، جلوییش را گرفت! خوی اشرافی گری، مصرف گرایی و حرکتی به سمت رفاه طلبی و تجملات مصرفی ... از نتایج اجرای این سیاست ها است.

اما با وجود تمام این مشکلات هنوز راه هایی برای نجات کشور از این بحران وجود دارد یکی از این راه ها پیاده شدن اقتصاد مقاومتی است آن هم با اتکا به توان داخلی و راه دیگر حذف ربا از بانکها که با همدلی و همکاری مردم و دولت امکان پذیر است.



جنگ ارزی که در آن کشوری از راه کاهش

دادن رقابتی ارزش پول خود در برابر ارز

های دیگر کشورها به جنگ با آنان بر می خیزد، از ویرانگر ترین و ترسناک ترین رخدادهای در اقتصاد بین الملل است. با به میان آمدن سخن از جنگ ارزی گویی شیخ رکود بزرگ دهه ۱۹۲۰ باز سایه گستر می شود، آنگاه که کشورها با اتخاذ سیاست فقیر سازی همسایگان نشان از راه کاهش رسمی ارزش پول خود و اعمال تعرفه های گزاف موجب فروپاشی تجارت جهانی شدند.

از زمانی که پول اعتباری ظهور کرده و رابطه یک به یک طلا و نقره با پول گسیخته شده، تجارت در میان کشورها از حالت ساده ی اثر گذاری هزینه های عادی به اضافه تعرفه های گمرکی، خارج شده و عامل نامرئی ارزش گذاری پول های ملی به موثرترین عامل در شکل دهی به تجارت بین الملل تبدیل شده است. تغییر در ارزش گذاری پول ملی به راحتی می تواند ده ها درصد بر هزینه ها بیفزاید و یا از آنها کم کند. از ابزار تغییر در ارزش گذاری پول های ملی برای کاستن از ارزش پول ملی استفاده می شود.

این وضعیت که «جنگ ارزی» نامیده می شود سابقه ای صد ساله دارد و نخستین بار در بحران بزرگ ۱۹۲۹ به وسیله کشورهای صنعتی علیه یکدیگر به کار گرفته شد. جنگ ارزی به معنای «کاهش رقابتی ارزش پول ملی» است که با ارزان کردن قیمت کالاهای داخلی در مقایسه با رقبای خارجی؛ هم بازارهای صادراتی بیشتری ایجاد می کند و هم باعث جایگزین شدن کالاهای تولید داخل با اجناس مشابه وارداتی می شود. «جنگ ارزی» یا همان ارزشگذاری کمتر پول ملی؛ برای کشور فاعل مزیت تجاری ایجاد می کند و این مزیت از طرف های مقابل به دست آمده و برای آنها کسری تجاری به بار می آورد. نتیجه ایجاد کسری

در طرف های مقابل دور پیچیده ای شامل، کسری تجاری، کسری بودجه، استقراض، انباشت بدهی ها، خروج سرمایه ها از کشور متضرر به کشور دارای مزیت شده و در نهایت پسرقت صنعتی ایجاد می کند، یعنی صنایع کشورهای متضرر به تدریج از بین می روند. این دور پیچیده پنج وجهی تبعات اجتماعی هم دارد و دعوا تنها بر شاخص های اقتصاد کلان نیست. افزایش نرخ بیکاری، به دنبال آن کاهش دستمزدها و در نتیجه کاهش سطح رفاه و در نهایت فرار نخبگان را به دنبال خواهد داشت که عرصه کار و فعالیت را تنگتر می بینند. ضمن اینکه دولت ها مجبور می شوند برای کاستن از هزینه ها از خدمات تامین اجتماعی کم کنند. دلار عامل اصلی جنگ جهانی ارزی است بنا بر این برای رفع بسیاری

آنجا که شیخ حسن کربلایی نویسنده کتاب تاریخ دخانیه می نویسد: «کار این روزها خیلی سخت و دشوار شده است و چگونه سخت و دشوار نباشد، حال آنکه چندین سال است تاکنون به سبب مداخله استیلای فرنگیان، رشته تجارت ایران به کلی از دست تجار مسلمان بیرون رفته است...»

در طی سومین سفر ناصرالدین شاه به فرنگستان و نمک گیر شدن شاه سر سفره انگلیسی ها بود که بلافاصله بعد از آمدن شاه به ایران قرار دادی بین ایران و شرکت رژی منعقد شد؛ که طی آن امتیاز خرید و فروش تنباکو و توتون سراسر ایران را به آن شرکت واگذار کرده بودند و مبلغ اندکی نیز در عوض به شخص شاه و امین السلطان (از روشنفکران آن دوران) داده شد. که بیشتر آن پول ها هم در سفرهای شاه و کاروان همراهش در همان کشورهای اروپایی خرج شد.

با کار تبلیغی و فرهنگی علما و روحانیون در بین مردم و تبیین شرایط یک موج عظیم نارضایتی در شهرهای اصفهان، تبریز، تهران، مشهد، کرمانشاه و ... شکل گرفت.

علمایی چون شهید شیخ فضل الله نوری، آیت الله محمد تقی آقا نجفی، سید علی اکبر فال اسیری و ... شرایط و اذهان مردم را برای فتوای نائب عامه ای امام زمان، آیت الله میرزای شیرازی، فراهم کردند.

میرزای شیرازی در ابتدا طی تذکری به شاه آثار زیان بار وابستگی به غرب را برای او روشن می کند اما در رفتار شاه تغییری رخ نمی دهد، تا بالاخره میرزای شیرازی آن فتوای تاریخی را صادر میکنند: «

بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی است»  
حرره الاحقر محمد حسن الحسینی

بعد از این فتوا فقط متشرعین نبودند که کشیدن دخانیات را تحریم کردند بلکه افراد لایبالی و غرب زده هم که اعتقاد و اعتنایی به اسلام نداشتند نیز از حکم میرزای شیرازی تبعیت کردند.

در طول تاریخ عده ای سعی کرده اند که فتوای میرزای شیرازی مانند دیگر فتوای مراجع نشان دهند و تنها فرق آن با بقیه ی فتاوا را اعتقاد بیشتر مردم آن زمان به مراجع یا نفوذ زیاد از حد میرزای شیرازی در بین مردم میدانند. اما می توان ریشه ی این اقدام مردم را در کلمه ی "محاربه با امام زمان" بررسی کرد. اگر میرزای شیرازی صرفاً فقط یک فتوای حرمت می داد شاید تبعیت به این گستردگی را همه اعم از متشرع و لایبالی به همراه خویش نداشتند. محاربه با امام زمان، نشان از نقش کلیدی ولایت است. ولایت آن نکته ی کلیدی تاریخ است که از صفویه تا کنون هر جا به میان آمد، همراهی و پشتوانه ی گسترده ی مردم را به همراه داشته است. در انقلاب اسلامی هم گرچه عده ای معتقدند که مردم برای جمهوریت قیام کرده اند و واقعا جمهوریت و مردم سالاری با اهمیت است ولی مردم آنجا جان خود را به دست گرفته و به میدان آمده اند که "ولایت" باشد.

همیشه ولایت و مردم باعث رشد و تعالی همدیگر شده اند، و در طول تاریخ یک نقش مکمل با هم داشته اند. در تحریم تنباکو نیز نکشیدن تنباکو نه کار سختی است و نه کار ارزشمندی، بلکه اتحاد و یک صدا شدن مردم بود که یک اتفاق ارزشمند در تاریخ را رقم زد. مردم ایران که در طی ۷۰ سال بی خبری از اوضاع مملکت به دنبال یک اتفاق و یک جریان برای مقابله با شرایط بودند، از فرصت تحریم تنباکو استفاده و نفوذ بیگانگان در ایران را کم کردند. گرچه عده ای هنوز هستند که تحریم تنباکو را منحصر میکنند به صرف نکشیدن دخانیات اما از متون تاریخی آنچه برمی آید، ایجاد اولین موج بیداری و اولین تقابل ایرانیان با تمدن غرب به پشتوانه ی امر ولایت است، که خود را در تحریم دخانیات نشان داده است.

"اصل و عمده این منظور ما (تحریم تنباکو) کوتاه کردن دست خارجی از امور مسلمین است."

آیت الله میرزا حسن آشتیانی

"اگر ما آن روز تحریم تنباکو را انجام نمی دادیم، مسلمانان امروز دست به سینه جلوی اجنبی می ایستادند."

آیت الله آقانجفی اصفهانی



علی قانعیان / برق ۹۴

بعد از جنگ های ایران و روس و دو شکست ذلت بار ایران در مقابل روسها، دولت ایران مجبور به قبول قراردادهای فراوانی شد.

به دلیل یک پشتوانه ی عمیق و قوی به خصوص دوران افتخار آمیز صفویه، مردم ایران تا قبل از شکست در آن جنگ ها یک احساس و یک توانایی در خود می دیدند که با استفاده از آن در مقابل هر نوع مشکلی پیروز می شدند ولی طی ۷۰ سال از جنگ ها تا تحریم تنباکو چنین حسی در بین مردم سرکوب شده بود و می توان این دوران را دوران بی خبری مردم ایران نامید. حتی بعد از شکست در جنگ اول و شروع جنگ دوم یک اتحاد گسترده برای مقابله با روس ها در تمام شهرهای ایران را شاهد هستیم. از فتوای علمای وقت تا سپهسالاری عباس میرزا. اما جنگ دوم با روس ها همه چیز را عوض کرد!!

فتوای جهاد آیت الله شیخ جعفر کاشف نیز درباره ی جنگ دوم با روس ها چنین است: «ای کافه اهل ایران، از عراق، فارس، آذربایجان، و خراسان آماده شوید به جهاد کفار لثام و بر آورید تیغ ها از نیام... پس بفرشید جانهای خود را به بهای گران...»

مدیریت جنگ با دولت مردان بود و همراهی روحانیون با دولت عده ای را به اشتباه انداخت که روحانیت و دولت نقش یکسانی دارند و همیشه با هم هستند...

بعد از شکست یک سرخوردگی در بین بعضی علما و مردم شکل گرفت. همین دوران بود که دو گانه ی اشتباه سنت و تجدد در ایران به وجود آمد.

عده ای معتقد بودند که باید بدون هیچ چون و چرایی از محصولات اقتصادی و فکری خارجی ها برای حل مشکلات ایران استفاده کرد و با اعطای امتیازات و قراردادهای به دنبال وارد کردن توسعه درون ایران بودند. عده ای دیگر نیز معتقد بودند که اعتماد به بیگانگان و واگذاری منابع، امکانات و سرنوشت کشور به آنها نه تنها موجب آبادانی و رشد و ترقی کشور نخواهد شد بلکه با باز شدن پای اجنبی به کشور استقلال اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ما از بین می رود.

حدود ۷۰ سال از جنگ های با روس می گذشت و گروه اول غرب گرا، در رئوس مملکت نفوذ کردند و دوران سیاهی را برای کشور رقم زدند، تا



# موج فاطمی در یک نگاه

عاطفه اخلاقیان، کشاورزی ۹۳

است که زن را از مرد پایین تر می‌داند و او را موجودی برای پاسخگویی نیازهای مرد تلقی می‌کند و دیگر دیدگاه غربی که خواهان تشابه حقوق و وظایف زن و مرد در همه‌ی ابعاد است و نقش و رسالت آفرینش را نادیده می‌گیرد. لازم به ذکر است که تشابه با تساوی متفاوت است و غرب به دنبال تشابه است و نه تساوی.

## فمینیسم، نگاه غالب در دانشگاه

آنچه بیشتر در سطح دانشگاه دیده می‌شود نگاه فمینیستی و نشات گرفته از غرب است که شعارهای آن‌ها هم متأسفانه توسط برخی تشکل‌ها و مجموعه‌ها تکرار می‌شود و اثرات این تفکر غلط از جمله تشابه زن و مرد در نگاه دانشجویان دیده می‌شود. البته به نظر می‌رسد خط‌دهی‌هایی نیز از خارج دانشگاه بر روی نگاه‌ها مؤثر است. نگاه دیگر نگاه سنتی است که در برخی افراد دیده می‌شود و البته عمومیت ندارد و این نشانگر فاصله ما تا نگاه واقعی اسلام به زن و تفکر اسلامی است که برای رسیدن به آن باید تلاش کنیم.

## تشکل‌های دانشجویی، پیشرو و دیده‌بان

با توجه به اینکه دانشجو و تشکل‌های دانشجویی باید همیشه پیشرو و دیده‌بان مسائل سیاسی و فرهنگی جامعه باشند، اگر طبق فرموده رهبری موضع تهاجمی نسبت به غرب در این مسئله داشته باشند و در پی احقاق حقوق زن جریان سازی کنند می‌توانند نخست با ارتباط درون کشور و سپس ارتباط دانشجویان جهان اسلام اثرات فرهنگی بر منطقه و جهان بگذارند که مهم‌ترین آن صدور تفکر اسلامی در موضوع زن است. اگر آنچه در غرب اتفاق افتاده به درستی بیان و نقد شود و در کنار آن تفکر اسلام ناب شناخته شود تا الگوی مناسبی برای زن مسلمان معرفی شود، قطعاً جذابیتی که این تفکر دارد هر انسانی را مجذوب خود می‌کند. ان شاءالله که این حرکت بتواند مؤثر واقع شود و به همه‌ی دانشجویان خواهر در مجموعه‌های دانشگاهی توصیه می‌شود که علم این حرکت را باید شما بلند کرده و شما باید این موضوع را دنبال کنید.

## گزارشی از موج فاطمی

هسته محتوایی ستاد فاطمی با مشورت از اساتید و تجارب گذشتگان، به بررسی عنوان زیر در سه محور پرداخت:

۱. زن در غرب و همچنین نگاه سنتی به زن
۲. نگاه اسلام به زن و ارائه الگوی اسلامی
۳. بررسی مشکلات زن ایرانی امروز و فاصله‌ی او تا ایده آل مورد نظر اسلام

محور اول، بررسی وضعیت کنونی زن در ایران:

در این مرحله ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و قانونی نامناسب که زن را به صورت خود آگاه یا ناخود آگاه به آثار نامطلوب سوق می‌دهد بررسی می‌شود همچنین ساختارهای غلط و نامطلوب دانشگاه نیز مورد توجه و مطالبه قرار می‌گیرد.

محور دوم، بررسی و نقد زن در غرب و نگاه سنتی به زن:

در این مرحله به بررسی ریشه‌ی ساختارهای غلط و مشکلات، که عمدتاً مربوط به فرهنگ غربی و نیز نگاه سنتی و نادرست به زن است، پرداخته می‌شود و وضعیت زن در غرب به عنوان راهروان چنین ساختارهایی بیان می‌گردد.

## شروعی بر پایان بی تفاوتی‌ها

برآوردهای ما (اعضا موج فاطمی) از وضعیت دانشگاه و جامعه این بود که هویت دختران و زنان ما در میان ارزش‌های متفاوت فرهنگ سنتی ایران و فرهنگ غربی نامشخص است و هنوز با معیارهای اسلامی فاصله زیادی داریم؛ همچنین بنا بر توصیه‌های مقام معظم رهبری به ((بحران زن)) و لزوم ((مقابله با گفتمان غربی درباره زن)) و ارائه‌ی ((الگوی زن اسلامی)) بر آن شدیم اقداماتی را در این زمینه، در سطح دانشگاه انجام دهیم لذا بخش خواهران تشکل جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان برای برنامه‌ریزی و پیگیری این موضوع، ستاد موج فاطمی را شکل داد و فعالیت‌ها آغاز شد. با توجه به لزوم کار عمیق و اساسی، این پروژه با دو چشم‌انداز کوتاه‌مدت و بلندمدت تعریف شد. ما شروع کننده مسیری جدی‌ای هستیم که معتقدیم می‌تواند تحولی بزرگ را ایجاد کند.

## زنگ خطر بحران خانواده

از آنجاکه بسیاری از کشورهای جهان دچار بحران خانواده هستند و خیلی دیر تشکیل می‌شوند و زود به سمت فروپاشی می‌روند و نیز فرزندان طلاق هر روز زیادتر می‌شوند و نیز می‌دانیم متأسفانه در کشور ما نیز آمار طلاق روزبه‌روز افزایش می‌یابد، این موضوع اهمیت زیادی دارد و ما باید تلاش کنیم تا به سمت تقویت کانون خانواده در ایران پیش رویم. از آنجاکه مسائل زنان همچنانی که نیمی از پیکره اجتماع هستند همیشه از مسائل مهم جوامع بوده، می‌کوشیم تا به مسائل واقعی و اساسی در این حوزه بپردازیم و توجهی به آدرس‌های غلط رسانه‌های پول و قدرت که همیشه تلاش در جایجایی اولویت‌ها دارند نکنیم. متأسفانه برخی در داخل نیز مسائل اصلی و فرعی حوزه زنان را به درستی تفکیک نمی‌کنند.

## در مقابل جریان سنتی و غرب‌گرا

از دیدگاه اسلام میان زن و مرد از نظر فطرت و جایگاه انسانی تفاوتی وجود ندارد و زن در اسلام خصوصاً به‌عنوان کسی که پرورش دهنده‌ی نسل آینده‌ی بشریت است جایگاه ویژه‌ای دارد.

اما زن و مرد تفاوت‌هایی دارند که باعث می‌شود نقش‌ها و وظایف خانوادگی و اجتماعی آن‌ها متفاوت باشد که به نظر می‌رسد دو دیدگاه متفاوت از دیدگاه حقیقی اسلام مطرح باشد، یک دیدگاه نگاه سنتی





در کشورهای اسلامی کاملاً مشهود نیست. با بررسی آمار و نتایجی که غرب در این سال‌ها بیان کرده و مشکلاتی نظیر مادرانی که بچه‌های خود را می‌کشند، فرزندان‌ی که از جهت معلوم نبودن پدرشان مشکلات عاطفی و روانی پیدا می‌کنند و... می‌شود به خوبی نتیجه گرفت در واقع این فرهنگ به زنان کمک زیادی نکرده و چه بسا مشکلات زیادی برای آن‌ها به بار آورده است.

اگر ایران به جای اینکه به زنان جایگاهشان در اسلام را بدهد و برای تبیین آن تلاش کند به سمتی برود که غرب رفته طبیعتاً با وجود مشکلات اقتصادی و فرهنگی که اکنون کشور درگیر آن است مشکلات زنان در ایران چند برابر خواهد شد.

### حضور سیاسی، اجتماعی زنان

با توجه به اینکه زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند اگر در مسائل سیاسی و اجتماعی حضور نداشته باشند جامعه به سمت تعالی پیش نخواهد رفت. با نگاهی به زندگی پریبرکت حضرت زهرا (س) در می‌یابیم که ایشان در همه‌ی جریانات حساس زمان خود حضور فعال و مؤثر داشته‌اند. هم در زمان حیات پدر بزرگوار و هم در زمان پس از آن. زن مسلمان نباید نسبت به جامعه‌ی خود بی‌تفاوت باشد و انقلاب اسلامی نقطه عطفی برای حضور سیاسی و اجتماعی زنان شد. اما متأسفانه آنچه در این زمینه مشاهده می‌کنیم رکود و بی‌رغبتی نسبت به فعالیت است که دختران دانشجویان را فراگرفته و آن‌ها را به بی‌تفاوتی کشیده است. به نظر می‌رسد دختران دانشجویان هنوز قدرت و نقش مؤثر خود در اجتماع و دانشگاه را پیدا نکرده‌اند که این هم به بحران هویت که قبلاً اشاره شد بازمی‌گردد.

تفکری که ازدواج و مادر شدن را مانع پیشرفت می‌داند در میان بسیاری از دانشجویان فراگیر شده و این تفکر متأسفانه در حتی در بعضی موارد از سمت اساتید به دانشجویان القا می‌شود و نقش مادری امروزه از اصل به فرع کشیده می‌شود که در این خصوص باید از مسئولین سؤال کرد و علل آن تشخیص داده شود.

### پیروفاطمه ایم...

ما معتقدیم حضرت زهرا الگوی بشریت‌اند و نه فقط الگوی بانوان. ابعاد مافوق تصور این بانو هم می‌تواند فکر را با خود همراه کند و هم قلب را. اگر بخواهیم موجی جدید در جهان در موضوع زن مطرح کنیم، موج فاطمی است. موجی که آغازگر آن فاطمه است. ما به فعالان در این حوزه عنوان خادمان فاطمی دادیم چرا که معتقدیم هر کس برای عملی شدن الگوی حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) تلاش کند و آن بانورا معرفی کند از خادمان آن حضرت محسوب می‌شود.

امید است فعالیت‌هایمان در همه‌ی کشور توسط نیروهای انقلابی گسترش یافته و با رساندن صدای خود به مسئولین دریافتن راهکارهای مناسب برای حل مشکلات زنان جامعه مؤثر واقع‌شده و مورد رضای خداوند متعال قرار گیرد.

محور سوم، ارائه راه‌حل، معرفی الگوی زن مسلمان:

در این مرحله به معرفی الگوی حقیقی زن از منظر اسلام، به‌عنوان راه‌حل اصلی پرداخته می‌شود و نگاه درست به زن و خانواده را بیان می‌دارد و نیز حضرت زهرا (س) به‌عنوان محور این الگو معرفی می‌شوند و رسالت حقیقی زن و توانایی‌های خدادادی او بیان می‌گردد.

روند کارها به دو بخش محتوایی و اجرایی تقسیم شد که کار محتوایی در قالب جلسات و مطالعات پیگیری شد و با اساتید مختلف نیز در این زمینه جلساتی برگزار شد. کار اجرایی با برگزاری کرسی آزاداندیشی و قرائت بیانیه ستاد موج فاطمی آغاز شد. این کرسی با موضوع اشتغال زنان برگزار شد که در آن دو گروه با دو دیدگاه مختلف حضور داشتند.

بحث اصلی در این جلسه بررسی

اشتغال با محوریت جایگاه و منزلت بانوان بود. این جلسه برای شروع جلسه خوبی بود چرا که تصویر ذهنی درستی از فضای دانشگاه به ما می‌داد.

همچنین سلسله جلسات آموزشی در سطح دانشگاه با موضوع بررسی ابعاد شخصیتی زن مسلمان و با محوریت حضرت زهرا (س) در سه بعد ایمانی و معنوی، خانواده و سیاسی-اجتماعی به ترتیب با حضور حجت‌الاسلام حاج علی رهبر، حجت‌الاسلام دهنوی و حجت‌الاسلام سید احمد هاشمی برگزار شد. این جلسات نسبت به ابعاد گوناگون زندگی پریبرکت حضرت صدیقه بسیار مؤثر و آگاهی‌بخش بود. به‌خصوص بعد سیاسی و اجتماعی آن بانو که معمولاً مغفول مانده است. قالب‌هایی چون نشریه نیز (نهضت بیداری زنان)، برگزاری جلسه در خوابگاه دختران با موضوع خانواده، کلیپ و فعالیت‌های مجازی هم در کنار این فعالیت‌ها به چشم می‌خورد. لازم به ذکر است محوریت برنامه‌ها در سال گذشته بر روی برنامه‌های تشکیلاتی و آموزشی برای توانمندی اعضا بود و این فعالیت‌ها با کرسی آزاداندیشی با موضوع حجاب در اواسط اردیبهشت‌ماه ادامه یافت و اختتامیه این طرح در ۱۹ اردیبهشت‌ماه با حضور سرکار خانم دکتر روح‌افزا (معاون زنان در شورای انقلاب فرهنگی و فعال در حوزه زنان) و با تقدیر از فعالان موج فاطمی برگزار شد. در جلسه با خانم روح‌افزا عنوان شد:

از آنجایی که سند ۲۰۳۰ در بعضی از نقاط کشور در حال اجراست لازم است ذکر شود جمعی از زنان و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی متناسب با دین و فرهنگ بومی مردم ایران دست به تنظیم سند بنیادی آموزشی زدند. این سند در حال حاضر آماده است اما با توجه به نبود دغدغه کافی و مطالبه کافی و حضور افرادی که از ضررهای سند ۲۰۳۰ آگاه نیستند هنوز به مرحله اجرا نرسیده است.

قشر دانشجویان به‌عنوان قشر فعال باید روحیه‌ی مطالبه‌گری خود را افزایش دهد. با تبیین علمی و عقلی احکام اسلامی در مورد زنان به‌سادگی و زیبایی می‌توان اثبات کرد که نگاه اسلام به زن و جایگاه زن بسیار کامل و جامع است. این در حالی است که نگاه اسلام به زن





# خدا آورد، کد خدا برد!!

امیر حسین حاجیان / مکانیک ۹۳

آمریکاباز یگر غایب حاضر در همه جلسات مذاکرات اروپایی ها بود. گوینده ی این جمله د کتر محمد جواد ظریف دهه ی ۸۰ است! جمله ای که در اوایل دهه ی ۹۰ تنها دلیل حسن روحانی برای گرفتن اجازه مذاکره مستقیم با آمریکا بود.

حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم کسی بود که تنها راه حل برون رفت از مشکلات اقتصادی کشور را مذاکره ی مستقیم با آمریکا می دانست. در جلسات گوناگون سعی در تبیین درستی نظر خود داشت و با مدد افرادی همچون علی اکبر ولایتی درستی این گزاره غلط را در اذهان مردم به اثبات رساند. او در ۲۳ اردیبهشت ۹۲ در دانشگاه شریف گفت:

«مذاکره با آمریکا بسیار سخت اما امکان پذیر است. مذاکره با آمریکا راحت تر از مذاکره با اروپایی هاست، چرا که اروپایی ها یک «آقا اجازه» ای از آمریکایی ها می خواهند.»

با انتخاب او به عنوان رییس دولت یازدهم جبراً این اجازه به او داده شد که عقاید خود را عملیاتی کند. ۵ سال سرمایه، نیرو، وقت و توان فکری و معنوی ملت را دستمایه ی رسیدن به گزاره ای کرد که عقلای نظام با اتکا به تجربه های متعدد تاریخی و محکمت قرآنی صحیح بودن آن را متذکر شده بودند و آن: «من به مذاکره آمریکا خوش بین

نیستم.»

ترامپ چند روز پیش از برجام خارج شد و همگان منتظر واکنش رییس جمهور ما بودند. برخی ها فکر می کردند که راه دیگری غیر از آتش زدن برجام نخواهد بود اما حسن روحانی گزینه ای را مطرح کرد که کمتر از ۱۵ سال پیش توسط خود او در سنجه ی محک قرار گرفته بود:

«از این لحظه توافق برجام بین ایران و ۵ کشور است. از این لحظه ۵+۱، یک را از دست داده است و در این شرایط ما باید منتظر آن باشیم که این کشورهای بزرگ جهانی نسبت به این توافق چگونه عمل خواهند کرد.»

برجام بدون حضور آمریکا و با اتحادیه ی اروپا ادامه پیدا خواهد کرد! به قول برنامه نویس ها لوپ مذاکره به نقطه ی شروع خود رسید! آزموده را آزمودن در این مورد به خصوص خطا نیست! ما مجدداً از

ابتدای لوپ شروع خواهیم کرد تا به دنیا اثبات کنیم هیچ گاه و تحت هیچ اهرم فشاری از عقاید و باورهای خودمان- یعنی آفتاب تابان بودن برجام و ... - کوتاه نخواهیم آمد. حتی اگر این اهرم فشار تنگنای معیشتی مردممان باشد.

پس از ذکر این مقدمه ی کوتاه، مایلم برخی از موضع گیری های حسن روحانی در سال های ۸۲ تا ۸۴ یعنی وقتی که ایشان به عنوان مسئول تیم مذاکره کننده ی هسته ای در حال مذاکره با سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس را یاد آور شوم و در پایان خاطره ای را از وزیر پیشین خارجه انگلیس جک استراو نقل خواهم کرد.

ممکن است یاد آوری این نقل های تاریخی، به حصول بصیرت تاریخی کمک کند.

حسن روحانی در صفحه ۳۷۶ کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای خود می نویسد:

«در حوزه اقتصادی هم کار به این دلیل پیش نمی رفت که ما می گفتیم تحریم ها باید شکسته شود اما آنها می گفتند اینها مرحله ای دارد و در کوتاه مدت نمی توان به نتیجه رسید. ما دیدیم که گویی می خواهند بحث را چند سال ادامه دهند. در ضمن اروپایی ها می گفتند بر فرض که این تحریم ها را برداریم، شما باید مشکل تان را با آمریکا نیز حل کنید. برای اینکه در شرایط تحریم آمریکا، شرکت های ما با شما کار نمی کنند. پیشنهادهای اقتصادی آنها هم در حد دادن وام و خرید گاز از ایران یا ادامه مذاکرات در خصوص موافقتنامه تجارت و همکاری بود.»

روحانی پس از تشریح جزئیات پیشنهادهای اروپایی ها به ایران، در دهه ۸۰ می نویسد: «در مجموع پیشنهاد مذکور در زمینه تقاضاها از



# حمایت از کلمه حمایت

جواد برزنه / کشاورزی ۹۶

در جامعه ای زندگی میکنیم که از تأثیر پذیری های رسانه ای و القائات فکری کشور های به ظاهر متمدن به دور نبوده ایم. بعضا رفتارها و گزاره های ذهنی غلطی در ناخود آگاه جامعه ایجاد شده که آینده ما را تحت تأثیر قرار داده اند. مانند همین مازوخیسم فضای رسانه ای، که در ایجاد فضای یأس و ناامیدی گوی سبقت را از هم می رباییم. در کشوری که به فراخور موقعیتش و عقب ماندگی های گذشته، مشکلات کمی ندارد، تاب شنیدن خبر خوبی را هم نداریم! و یا در صورت وقوع یک رویداد خوب؛ به طور مثال نام گذاری امسال به نام (حمایت از کالای ایرانی) ترجیح میدهیم به آن نپردازیم.

سوء ظن و ویژگی بالقوه ای در انسان است و در دین ما نهی شده است. در مورد همین حمایت از کالای ایرانی؛ که موضوعی کاملاً منطقی و روشنی است، بسیاری قبل از هر گونه تأییدی، سعی بر یافتن اولین ایراد بر آن بوده اند. البته حساب افراد مغرض مانند شبکه های تحت حمایت آمریکا و انگلیس جداست، آن ها برای تشدید چنین فضایی فعالیت میکنند. متأسفانه این سال ها کلماتی مانند: حمایت، مقاومت، انسجام و ... که همه بار معنایی مثبت و در جای خود توضیحات مبسوطی دارند؛ با ایجاد یک فضای منفی، به حصار کشیدن، تنش زایی و جنگ افروزی تعبیر میشوند. در داخل هم، اشخاص و رسانه هایی به این ها دامن میزنند، که باید ببینیم سودشان را از کجا میبرند. عموم افراد در مواجهه با چنین فضایی دور راه دارند؛ یا تحقیق کنند و نسبت به موضوع واکنش دهند و یا بدون هیچ زحمتی فقط بشنوند و یک نظر بدون تعارض بدهند. انتخاب راه دوم که راهی آسان تر است، به معنی عدم وجود هر گونه عزمی برای پیشبرد اهدافی است که در جمهوری اسلامی مشخص شده. همچنین به مرور باعث ایجاد یک حس مقاومت در مقابل هر حرف درستی از جانب نظام میشود.

نظر ما در این زمینه انتخاب راه سخت تر؛ یعنی تحقیق کردن و بی تفاوت نبودن است. در حکومت اسلامی مردم نباید اسیر پروپاگاندا های رسانه ای شوند. این رشد فکری، لازمه حکومت اسلامی و یکی از اهداف آن است. سال هاست بخاطر فهم غیر صحیح و یا کم رنگ کردن شعار های انقلاب متحمل هزینه های فراوانی شده ایم و واضح است که بیشتر سنگینی بار این مسئولیت بر دوش رسانه ها، متفکرین و جامعه دانشگاهی قرار دارد.



ایران بسیار طولانی اما در مورد پیشنهادهای ارائه شده به ایران به طور مضحکی کوتاه و نارسا می باشد. فقدان هر گونه تلاش برای ایجاد ظاهری متوازن، این پیشنهاد را به دستور استعماری کاپیتولاسیون شبیه می سازد. پیشنهاد یاد شده توهینی به تمام ملت ایران است که سه کشور اروپایی باید به خاطر آن از ملت ایران پوزش بطلبند!

جک استراو، وزیر خارجه پیشین انگلیس در مستندی به نام ایران و غرب که از شبکه بی بی سی پخش شد، خاطره ای از دوران مذاکرات را این گونه تعریف می کند:

«پس از انجام مذاکرات و امضای توافق پاریس که طی آن ایران پذیرفت همه فعالیت های غنی سازی را تعلیق کند، در بازگشت به انگلستان، برای گذراندن تعطیلات آخر هفته با قطار عازم شهر محل زندگی خود بودم. بین راه تلفن همراهم زنگ زد. آن سوی خط دکتر کمال خرازی، وزیر خارجه ایران بود.

او گفت: ما می خواهیم ۲۰ سانتریفیوژ را برای تحقیقات علمی فعال نگه داریم. من دیدم در حضور همراهانم در قطار نمی توانم در خصوص یک پرونده حساس بین المللی مذاکره کنم، لذا به توالی قطار رفتم. آنجا به خرازی گفتم شما توافقتنامه را امضا کرده اید و دیگر نمی شود زیرش بزنید. اما او باز اصرار کرد. من گفتم باید در این خصوص با دیگران صحبت کنم. در همان حال کسی هم به در توالی می زد و ظاهراً عجله داشت تا از آن برای کاری غیر از مذاکره اتمی استفاده کند.

درباره بسیاری از مفاد پیش نویس بیانیه توافق شده بود؛ فقط دشوارترین مساله [تعلیق غنی سازی اورانیوم] کنار گذاشته شده بود. بحث دور میز جریان داشت، ایرانی ها امیدوار بودند این ژیمناستیک کتبی که برای آن شهره عالم اند، بتواند ترکی در دیوار سفید ما سه نفر ایجاد کند.

ساعت ۱۰:۳۰ بود و هنوز توافقی صورت نگرفته بود، به ویژه بر سر مورد حساس تعلیق غنی سازی اورانیوم. ناگهان دکتر روحانی اعلام کرد که وقتش است که همه برویم و رئیس جمهور را ببینیم.

ما سه نفر به یکدیگر نگاه کردیم. دیگر همدیگر را خوب می شناختیم. من گفتم اما چیزی وجود ندارد که به خاطرش برویم و دیدار کنیم. دومینیک گفت برنامه های کاری ما در هواپیما و فرودگاه آماده است و یوشکا گفت ما خیلی خوشحال می شویم که برویم به کارمان برسیم. توافق را به وقت دیگری موکول کردیم و همه از صندلی ها بلند شدیم. بهت و حیرت بر چهره طرف ایرانی ها نشست. ایرانی ها را دیدیم که رفتند دور هم جمع شدند. دکتر روحانی و دیگر مذاکره کنندگان شروع به تلفن زدن کردند؛

به تصور ما با مقامات ایرانی تماس می گرفتند. ما کمی پلکیدیم، بعد برای تنفس به باغ زیبا [سعدآباد] رفتیم. در نهایت، به داخل دعوت شدیم. طفره رفتن های شفاهی جای خودش را به مذاکره جدی و سخت قدیمی داد. نتیجه، بیانیه تهران بود.»

آیا تاریخ دوباره تکرار خواهد شد؟

# چهلمین سالگرد چگونه در گذشت؟

## چهل سالگی پر هزینه، ر کود و بی توجهی به سوالات و ابهامات

امیرحسین نواب / مکانیک ۹۳

### هزینه‌های گزاف در روزهای فشار اقتصادی

در خصوص ضرورت برگزاری این جشن، بر همگان پوشیده نیست که برگزاری آئین‌های بزرگداشت به‌ویژه برای یک نهاد علمی مهم و تجلیل به‌ویژه تجلیل از کسانی که سال‌های زیاد به دانشگاه و نظام علمی کشور خدمت کرده‌اند، ضرورتی است مهم. اما سوالاتی که در این خصوص به اذهان متبادر می‌شود این است که این بزرگداشت با چه هزینه‌ای؟ با چه کیفیتی؟ در چه شرایطی؟ و با در نظر گرفتن چه مؤلفه‌هایی برای تحقق این امر؟

در شرایطی که بخش‌های مختلف کشور و اقشار مختلف مردم در فشار اقتصادی شدید ناشی از بی‌تدبیری‌های دولت و تحریم‌های ظالمانه پسابرجامی قرار دارند و گروه‌های مظلوم و مستضعف جامعه و حتی دانش‌آموختگان ممتاز و توانمند دانشگاهی با بیکاری و تبعات شدید اقتصادی و روحی و روانی آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند مسئولین دانشگاه باید پاسخگو باشند که ایشان با چه توجیهی اقدام به برگزاری چنین جشنی آن‌هم با هزینه‌های چند صد میلیون و تشریفات و تجمعات غیرمنصفانه بدون توجه به حفظ و حراست از بیت‌المال نموده‌اند؟

همه‌ی دانشگاهیان و در رأس آن‌ها بدنه دانشجویی بیدار و مطالبه‌گر طی روزها و هفته‌های اخیر به‌وضوح مشاهده کردند که دانشگاهی با ۱۱۰۰۰ دانشجو، برای برگزاری یک مراسم تشریفاتی و غیرضروری چگونه بخش‌های مختلف اداری خود را بسیج کرده تا با تعلیق دیگر فعالیت‌های جاری دانشگاه تنها و تنها به امورات جشن چهل سالگی بپردازند!

فضاسازی مسیرهای عبور مسئولین دولتی در حالی که مدت کوتاهی از عید نوروز می‌گذرد نوسازی و به‌سازی می‌شود. درودیوار دانشگاه و حتی برخی میدان‌های اصلی شهر آکنده از بنرها و پوسته‌های تبلیغاتی است که چهلمین سال تأسیس دانشگاه را به رخ می‌کشند. حتی طی این چند روز هر کدام از روزنامه‌های اصفهان را مشاهده می‌کردید در صفحه اول خود به این تبلیغ پرداخته‌اند!

فارغ از هزینه‌های ذکر شده، مواردی دیگر هم در مراسم بزرگداشت خودنمایی می‌کنند. از پذیرایی‌های گران‌قیمت و غیرمعمول که سابق بر آن در هیچ جشن و مراسم دانشجویی مشاهده نمی‌شد تا مجری سرشناس، کنسرت خواننده چند ده میلیونی، دکور و فضاسازی چند ده میلیونی، فیلم‌ها و کلیپ‌های خاص و با صدای هنرپیشه‌های معروف که هزینه‌های گزاف تولید و بخش آن بر هر بیننده‌ای پوشیده نیست تا هزینه انتشار کتاب‌هایی خاص از چهل سال و چهار سال گذشته و با تیراژ فراوان و اعطای آن به

از اوایل سال پیش بود که زمزمه برگزاری مراسم بزرگداشتی به مناسبت چهلمین سال تأسیس دانشگاه در فضای دانشگاه شنیده می‌شد. در کنار این شنیده‌ها مشاهداتی بود که در برخی تبلیغات در سطح دانشگاه با این عنوان به چشم می‌خورد. تا این که در محل ورودی ساختمان مرکزی در میان تابلوهای راهنما، تابلویی جدید خودنمایی کرد. تابلویی با عنوان: دبیرخانه چهلمین سال تأسیس دانشگاه صنعتی اصفهان! رفته‌رفته تبلیغات عمومی این رویداد جلوه بیشتری به خود گرفت تا این که در ماه‌های پایانی سال پیش اعلام شد به دلیل مشکلات مالی دانشگاه برگزاری مراسم چهلمین سال تأسیس کنسل شده است! این خبر از جهاتی مسرت‌بخش بود. از این رو که به همگان اعلام می‌کرد که مسئولین دانشگاه با دغدغه صیانت از بیت‌المال از برگزاری این جشن خودداری کرده‌اند. اما روی دیگر سکه آن بود که در اذهان ایشان مختصات جشنی در حال ترسیم است که برگزاری آن در شرایط آن زمان، هم به لحاظ منابع مالی و هم به دلیل جو عمومی دانشگاه به صلاح نیست!

به هر ترتیب با آغاز سال ۹۷ مجدداً تبلیغات عمومی چهلمین سال تأسیس دانشگاه شروع به خودنمایی کرد تا این که در روز سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه این جشن به همراه اقدامات و حاشیه‌هایی غیرقابل انتظار برگزار شد.

اقدامات غیرمنطقی و بعضاً اهانت‌آمیز در این جشن آن‌قدر گسترده و همه‌گیر بود که مورد اعتراض تشکل‌ها و اکثریت مجموعه‌های دانشجویی قرار گرفت. زمزمه‌های فضای غیر دانشجویی نیز نشان می‌دهد بخش‌هایی از بدنه دانشگاه همچون کارمندان نیز اقدامات انجام‌شده حول این جشن را توهین به خود قلمداد کرده و از این حرکت مسئولان دانشگاه بسیار عصبی هستند!

در این مطلب سعی بر آن کردیم که به با توجه به مشاهدات عینی و تحقیقات روزهای اخیر به بررسی مشکلات واقعی این رویداد بپردازیم.





شبهه‌ناک قضایی بوده برای منصب مهمی چون مدیر عاملی بنیاد دانشگاه انتخاب شده است؟! (شاید به دلیل این که پدر ایشان از مدیران سابق، مشاور فعلی رئیس دانشگاه و البته از اعضای اصلی هیئت مدیره بنیاد دانشگاه است!)

آیا اگر در این خصوص قاعده و قانونی وجود ندارد، اعتبار، شأن و حیثیت دانشگاه صنعتی اصفهان در حدی هست که چنین فردی با این سابقه بر مسند مدیر عاملی بنیاد دانشگاه بنشیند؟!

این انتقاد جدی نه تنها تاکنون هیچ واکنش و پاسخی از سوی مسئولین دانشگاه به همراه نداشته بلکه شاهد آن هستیم که با دهن کجی مسئولین دانشگاه، پدر این ژن خوب یعنی آقای ابوالحسن فتحیان در جشن بزرگداشت چهل سالگی به‌عنوان مدیر نمونه تجلیل می‌شود بدون این که کوچک‌ترین پاسخی نسبت به اشتباه احتمالی ما در خصوص فرزند ایشان داده شده باشد!

### رکود یا آرامش

یکی از مسائلی که مدیریت محترم دانشگاه آن را به‌عنوان یک دستاورد برای خود و دانشگاه به‌حساب می‌آورند آرامش دانشگاه در چند سال اخیر می‌باشد. البته باید دید این آرامش ناشی از چه امری است و چه عللی دارد؟! اما سرنخی که در مراسم بزرگداشت اخیر و البته دیگر برنامه‌های مشابه می‌توان یافت آن است که ریاست دانشگاه در سخنرانی خود به جایگاه علمی دانشگاه در رتبه‌های بین‌المللی اشاره و آن‌ها را مایه افتخار می‌داند. مباحثات به این رتبه‌ها در حالی که است که همه افتخارات مطرح شده توسط ایشان مرتبط با جایگاه بین‌المللی دانشگاه طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ بوده و با مراجعه ساده به سایت این رتبه‌بندی‌ها از جمله تایمز مشاهده می‌کنیم که دانشگاه صنعتی اصفهان طی سال‌های اخیر سیر نزولی شدیدی داشته است.

از طرفی بزرگداشت چهلیمین سالگرد یک دانشگاه نمونه کشوری در حالی برگزار شد که در آن خبری از معرفی دستاوردهای علمی جدید دانشگاه نبود که شاید این امر می‌توانست وجه تفاوت بزرگداشت یک دانشگاه با هر جای دیگری باشد. این رکود در اتمسفر علمی را به‌عنوان مهم‌ترین بخش دانشگاه (البته در پارادایم فکری غالب در مدیران و اساتید) وقتی در کنار رکود در سایر بخش‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و تکاثر برنامه‌های مختلف اما بی‌نتیجه قرار می‌دهیم به معنای دیگری از آرامش در دانشگاه می‌رسیم.

به‌هر روی، بار دیگر از مسئولین محترم دانشگاه خصوصاً ریاست محترم درخواست می‌کنیم که بی‌توجهی نسبت به مطالبات دانشجویی را کنار بگذارند و پاسخ خود نسبت به این سؤالات را ارائه دهند. ما نیز در انتشار این پاسخ‌ها کمال همکاری را خواهیم داشت.

همراه هدایای خاص به شرکت کنندگان در مراسم.

در شرایطی که بخش‌های دیگر دانشگاه به صرفه‌جویی به دلیل مشکلات مالی فراخوانده می‌شوند و در ایامی که تشکلهای دیگر مجموعه‌های دانشجویی به دلیل این محدودیت‌ها از عهده تأمین هزینه‌های برنامه‌های خود بر نمی‌آیند جشن چهلیمین سال تأسیس دانشگاه با خرج‌هایی عجیب و قریب برگزار می‌شود.

### توهین آشکار مسئولین دانشگاه به دانشجویان

از جمله بخش‌های قابل توجه این مراسم عملکرد مسئولین دانشگاه و شخص رئیس دانشگاه در برخورد با بدنه دانشگاهیان غیر هیئت علمی از جمله دانشجویان بود.

مسئولین دانشگاه باید پاسخگو باشند که در شرایطی که طی یک اتفاق کم‌سابقه، وزیر علوم طی کمتر از یک سال دو بار و بطور مفصل در دانشگاه حضور پیدا کرده، چرا این حضور، از دانشجویان مخفی و از مواجه شدن ایشان با فضای عمومی دانشجویی ممانعت به عمل آمد؟! چرا هیچ برنامه عمومی برای ارائه مطالبات دانشجویی به وزیر علوم طی دو سفر گذشته وزیر به دانشگاه تدارک دیده نشده و ایشان صرفاً در آیین‌های تشریفاتی هیئت‌رئیس دانشگاه شرکت کردند؟!

در ادامه این تصمیم نادرست چرا ایشان قصد داشتند حضور معاون رئیس جمهور و سخنگوی دولت را نیز به همان سیاق گذشته از دانشجویان پنهان کرده و جناب آقای نوبخت را با ایزوله کامل از فضای دانشجویی دانشگاه میزبانی نمایند؟

توهین آشکار مسئولین دانشگاه به دانشجویان و کارمندان دانشگاه در روز برگزاری مراسم و تعطیلی دانشگاه در ساعت ۱۵:۳۰، اقدام نابخردانه‌ای در این راستا بود که افکار عمومی را از عملکرد مسئولین امر در این خصوص جریحه‌دار کرده است.

همچنین بخش زیادی از دانشجویان معتقدند چرا باید ظرفیت سالن این مراسم مهم با مدعوین پرشمار و نیز همسران اعضای هیئت علمی و کادر آموزشی دانشگاه پر شود اما سهم دانشجویان بسیار محدود و اندک باشد؟!

### بی‌توجهی به سؤالات و ابهامات توسط مدیران

نشریه صبح دانشگاه طی شماره‌های اخیر خود سؤالات متعددی را پیش روی مسئولین محترم دانشگاه به‌ویژه ریاست محترم قرار داده است اما با گذشت چندین ماه نه تنها در قبال سؤالات مستند طرح شده هیچ‌گونه پاسخ و واکنشی از ایشان مشاهده نشده بلکه برخی تصمیمات و اقدامات صورت گرفته در جشن چهلیمین سال تأسیس دانشگاه نیز با دهن کجی نسبت به سؤالات و ابهامات طرح شده، بر عمق تردیدها و تاریکی‌ها نسبت به عملکرد مسئولین دانشگاه افزوده است.

از عدم پاسخگویی رئیس دانشگاه نسبت به وضعیت طرح تحول و بی‌سرپرستی آن از آبان پارسال یعنی حدود ۷ ماه گذشته با وجود هزینه‌های بسیار دانشگاه در این طرح، سکه‌های اهدایی به کسانی که قبلاً حق جلسه خود را گرفته بودند و... تا خاص خرج‌هایی در بخش‌هایی از دانشگاه و...

اما هنوز مشاهده می‌شود که در جشن چهلیمین سالگرد دانشگاه جناب آقای دکتر مدرس هاشمی بدون پاسخگویی به هیچ‌کدام از این ابهامات، همچنان دستاورد بزرگ دانشگاه را طرح تحول پرهزینه و بدون نفعی می‌داند که ۷ ماه است بی‌سرپرست رها شده و با وجود مراجعه مکرر ما به دفتر برنامه‌ریزی راهبردی هیچ‌کس در دانشگاه در خصوص این طرح پاسخگو نیست!

از طرف دیگر در شماره گذشته نشریه صبح دانشگاه گفتگویی از مدیرعامل بنیاد دانشگاه و دیدگاه‌های ایشان در خصوص سوابق گذشته‌شان مطرح شد. در پایان آن گفتگو مطرح شد که چگونه فردی که پیش از این هیچ سابقه دانشگاهی نداشته و دارای سابقه‌ی مبهم و

# بحران جنسی و انفجار جامعه ایرانی

مقاله اول از دو مقاله پیرامون سخنرانی فوکویاما  
محمد امین برهانی / مکانیک ۹۳

که افکار عمومی را مشوش می کند. حوادثی که در گذشته همچون امروز امکان طرح شدن در بین مردم را نداشتند؛ اما برخی خبرها آن چنان شوکه آور و غیر قابل انتظار هستند که نمی توان با برجسب «همیشه این حوادث رخ می داد» از آن ها گذر کرد؛ بخصوص زمانی که یک طرف این حوادث را کودک کان و جوانان تشکیل می دهد. در این مقاله با بررسی بسیاری از جنایات و تجاوزهای چند سال اخیر و مصاحبه های پخش شده از متهمین یافته هایی را در ادامه آورده ام.

یکی از این اتفاقات، آتش زدن یک قهوه خانه در اهواز به وسیله یک نوجوان ۱۷ ساله بود. آن طور که خود متهم گفته است این کارش به خاطر اختلافاتی بود که با صاحب قهوه خانه یعنی شوهر خاله اش داشت. در این حادثه هولناک ۱۱ نفر کشته شدند. این که چگونه یک نوجوان دچار چنان خشونت جنون آمیزی بشود که این چنین کشتاری به پا کند یک سؤال مهم است. نوجوانی که بعد از این اتفاق هنوز در شوک این است که چرا این چنین کار جنایت کارانه ای انجام داده است. اتفاق دیگری که چند روز پیش رخ داد و نوجوان دیگر به خاطر اختلاف با پدرش و دعوایی پدر و پسری که به صورت معمول ممکن است در خانواده ها از گذشته تا به امروز رخ دهد، دست به آتش زدن پدر و قتل او می زند.

این قبیل اتفاقات که ناشی از خشونت غیر قابل تصور در نوجوان و جوانان است از معضلات جدی و نشانه هایی از وجود یک بیماری وخیم اجتماعی است که جوانان و نوجوانان را نشانه رفته است. بسیاری از این اتفاقات وجه جنسیتی نیز پیدا می کند؛ مانند تجاوز و سوزاندن با اسید و قتل ستایش دختر خردسال افغان آن هم توسط یک نوجوان ۱۶ ساله! قاتل ستایش در مصاحبه ای که با ایسنا داشت گفت: دلم برای بابایم می سوزد اما آن ها را مقصر می دانم، بابایم نمی گذاشت خواهرهایم قبل از دواج از خانه بیرون بروند. تا وقتی از دواج کردند گوشی نداشتند. اما در اختیار من همه چیز گذاشتند و پیگیر کارم نبودند. [۲]

او جایی دیگر می گوید تنها تفریحش گوشی موبایل بود. ستایش دختر همسایه آن ها بود به خانه قاتل می آید تا با دختر خواهرش بازی کند اما آن ها نبودند و تنها کسی که در خانه بود این پسر ۱۶ ساله بود. او قصاص شد ولی یک سرخ مهم به جا گذاشت. واقعا چرا او گمان می کرد که گوشی موبایل بزرگ ترین دشمن او است؟

نوجوانان با دسترسی به فناوری های جدید وارد دنیایی می شوند که عقلانیت آن چنان تعیین کننده انتخاب هایشان نیست. آن طور که در ابتدا گمان می کنند، آن ها تعیین کننده زمین بازی در فضای وب و مجازی نیستند. شکار چیان فروانی در انتظارشان هستند. نا آشنایی با این رسانه ها آن هم در کشور ما که قانونی مثل حجاب شرعی بر آن حکم فرماست و حیا هنوز از جامعه رخت نبسته است سبب جذابیت بیش از پیش مسائل جنسی در نظرشان می شود. به سرعت در ساختار به اصطلاح بزرگ سال وارد شده و با چالش های متعدد فرهنگی، اعتقادی و جنسی روبرو می شوند. فیلم های سینمایی بخصوص سینمای هالیوود و بازی های کامپیوتری و صفحات فروان وب که تولید کننده محتواهای غیر اخلاقی فروانی هستند در شکل گیری این وقایع مؤثر هستند. مستندی تحقیقاتی

سه ماه پیش بود که فرانسیس فوکویاما در کنفرانس حکومت جهانی سخنرانی کرد. کنفرانسی که سالانه در دبی برگزار می شود و در آن پژوهشگران سیاسی از نقاط مختلف جهان در آن حضور دارند. فوکویاما، متفکر سیاسی آمریکایی، در این سخنرانی چالش های پیش روی جهانی سازی را در زمینه های اقتصادی، امنیتی و اجتماعی بیان کرد. او که به خاطر نظریه پایان تاریخ مشهور است در بخش دوم سخنرانی به پرسش های معجزی برنامه پاسخ می دهد. در یکی از سؤالات بحث از ایران به میان می آید فوکویاما در تحلیل وضعیت ایران این گونه می گوید: «ایران داستان متفاوتی [از تونس] دارد، یک انقلاب اجتماعی در زیر پوست این کشور در حال وقوع است. ایران یکی از بهترین کشورها در حوزه آموزش در خاورمیانه است. حدود ۶۰ درصد فارغ التحصیلان در ایران از زنان تشکیل می دهند. که اهل مدارا با ساختار محافظه کار و سنتی (روستایی) حاکم بر ایران نیستند. این کشور در حال

رفتن به سمت نوعی انفجار است. خیلی سخت است که پیش بینی کنیم در ایران چه اتفاقی خواهد افتاد؛ ایران ثبات ندارد.» [۱]

بعد از این سخنرانی به این فکر افتادم که در این باره تحقیقاتی انجام دهم. با مرور

اخباری که در یک سال

گذشته در زمینه جنایت های

وحشتناک در جامعه ما رخ داده

بود به این نتیجه رسیدم که یک

مقاله پیرامون اثر سر کوب جنسی نتایج

خشن ناشی از آن بنویسم که مقاله اول این

دو مقاله در تحلیل صحبت های فوکویاما به

نام بحران جنسی و انفجار جامعه ایرانی است.

مقاله دوم به خاطر وقوع اتفاقاتی از جمله ظهور

دختران خیابان انقلاب و حضور پررنگ دختران و

زنان در اعتراضات دی ماه به تحلیل نسلی جدیدی

از زنان ایرانی پرداخته است. البته این دو مقاله در نظر

نگارنده مستقل از همدیگر نیستند.

یادآوری این نکته لازم است که سخنان فوکویاما

را نمی توان این گونه تفسیر به رأی کرد و با توجه

به چارچوب فکری فوکویاما، تضادهای جامعه در

حوزه فرهنگی و اجتماعی برای رسیدن به لیبرالیسم

تفسیر می شود و این بحران ها نیز برای رسیدن به

همان غایت انسان لیبرال ایجاد شده است؛ اما حقیقت

ماجرای این است که جامعه ما حال و روز مناسبی ندارد.

وجود شکاف نسلی و از بین رفتن توجیه های اعتقادی

و ایدئولوژیک قوانین مدنی و جزایی، قابل چشم پوشی

نیست.

## بحران جنسی و انفجار جامعه ایرانی

با گسترش سیطره ژورنالیسم و رسانه های جمعی و رشد انفجاری استفاده از شبکه های اجتماعی، شاهد افزایش بازتاب در عموم هستیم. فراگیر شدن اخباری

جنسی با دختر بچه‌هاست.

در بسیاری کشورهای اروپایی قوانین حداقل سن ازدواج یک دختر را ۱۸ یا ۱۷ سال و حتی در چین ۲۰ سال تعیین می‌کنند. در حالی که رابطه جنسی یک دختر ۱۵ ساله با هم‌نوعش پذیرفته شده و فراگیر است. چگونه ازدواج ناپسند است ولی زنا مورد تایید؟ گواه این مدعا تحقیقاتی فراوانی است که در کشورهای مختلف اروپایی و آمریکایی انجام شده است یکی از آن‌ها تحقیقات، پژوهش جمعی از پژوهشگران فنلاندی است که روی بیش از ۹۰ هزار نفر پس و ۹۰ هزار نفر دختر بین سنین ۱۴ تا ۱۸ سال انجام شد. و نتیجه آن نشان می‌داد که تنها ۲۵ درصد آنها تجربه جنسی در سطوح مختلف نداشته‌اند. [۳] در اسلام سن ازدواج، سن بلوغ شرعی یعنی نیاز جنسی فرد تعیین شده و معقول‌ترین راه نیز بنظر نگارنده همین است.

اما برگردیم به جامعه ما که نظاره‌گر این اتفاقات است. ارضای نوجوانان و جوانان ایرانی که تحت فشار جنسی است در اجتماع کنونی به روش شرعی و آرامش بخش آن دشوار شده است. او یا مجبور به سرکوب این نیاز است یا ارضای نامشروع آن که این روش‌های غیر فطری نیز جز بر پریشانی و آشفتگی او نمی‌افزاید و نوعی اختلال روانی و آشوب ذهنی برایش پدید می‌آورد. به گفته و کیل قاتل ستایش، او نیز دچار اختلال روانی بود.

سرکوب زیاد شهوت ایجاد نوعی پرخاشگری می‌کند. البته نظریات روانشناسی نوع افراطی تری را نیز مطرح می‌کند و تمام بیماری‌های روانی را تحت تأثیر موضوع جنسی و سرکوب آن می‌داند که البته نگارنده قصد بحث و ارجاع به آن‌ها را ندارد. ولیکن اثر سرکوب جنسی بر خشونت بسیاری از اتفاقات جنایی حاکی از ارتباط مستقیم این دو دارند.

این خوره درونی در بسیاری از موارد به درون‌گرایی دردناکی در فرد نیز می‌انجامد که روزی منفجر می‌شود. به نظر برخی کارشناسان کانون اصلاح و تربیت، آرام‌ترین بچه‌های کانون کسانی هستند که نه مرتکب سرقت شده‌اند و نه اعتیاد دارند بلکه در یک لحظه مرتکب قتل شده‌اند؛ یعنی در اثر هیجانات دست به ارتکاب جرم زده‌اند.

سال گذشته بود که یک نوجوان ۱۴ ساله، ملیکا دختر ۸ ساله خوزستانی را پس از سرقت طلاهایش کشت. او؟ برای بازی کردن با دوستانش بیرون رفته بود که جسدش در یک خرابه در همان محله پیدا شد.

با عدم اطفای این غریزه جامعه هیچ‌گاه نمی‌تواند به مرحله عقلانیت و تخلیق راه بیاید. پایین آمدن سن استفاده از محرک‌های جنسی، روابط با جنس مخالف در شبکه‌های اجتماعی که نوعی عواطف ناشی از نیازمندی جنسی است و بالا رفتن سن بلوغ عقلی این تقابل را شدیدتر کرده است. رشد اعتیاد به خودارضایی بین دانش‌آموزان نیز از دلایل این اتفاق است. در صورتی که وضعیت فرهنگی و اقتصادی خانواده نیز روبه‌راه نباشد، نوجوان بعضاً به اعتیاد به سیگار یا مواد مخدر روی می‌آورد.

البته این اتفاقات مختص جوانان و نوجوانان نیست. یکی از تلخ‌ترین اتفاقات سال گذشته قتل آتنا بود. آتنا دختر ۷ ساله پارس‌آبادی که توسط مردی ۴۰ ساله مورد تجاوز قرار گرفت و بعد کشته شد. جسد او را در بشکه‌ای در پارکینگ خانه‌اش یافتند. یا قتل پسر ۱۱ ساله توسط جوانی که تازه از سربازی آمده بود. قاتل علت این کار را عقده تجاوز در کودکی به خودش می‌دانست.

زمانی که صحبت از راه حل می‌شود، حرف از ازدواج است

در این باره ساخته شد که وضعیت یکی از مناطق جنوب غرب چین را قبل از ورود تلویزیون و اتصالات ماهواره‌ای و بعد از آن بررسی می‌کرد. نتایج باورنکردنی بود چرا که آمار تجاوز و قتل افزایش بسیاری یافته بود. اثرگذاری این ابزار زمانی که در تعارض و کشمکش با سنت‌ها و عرف آن جامعه باشد بیشتر مشهود و گفتمان‌ساز می‌شود.

در صنعت فیلم‌سازی جهانی، به خاطر سیطره منفعت‌گرایی و اقتصاد، توجه به ارزش‌ها و سعادت پوچ و بی‌معنا است. روابط افسارگسیخته زن و مرد، استفاده از مشروبات الکلی، خشونت‌هایی که با نام اکشن آراسته شده‌اند از اصول سینمای امروز شده است. هر مفهومی حتی انسانی‌ترین آن‌ها باید در قالب‌هایی با همین پیرایه‌ها قرار بگیرد.

برهنگی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های هنر، زن و فرهنگ در غرب است. رهبر انقلاب نیز در سخنرانی خویش به آن تصریح کردند که ویژگی امروز زن غربی برهنگی است. البته این به این معنا نیست که هر زنی در غرب این صفت را دارد یا حیا و خانواده دیگر وجود خارجی ندارد بلکه فضای رایج جامعه برهنگی است و این به خاطر عادی‌سازی است که در طول یک قرن اخیر در غرب رخ داده است. زمانی که یک خانواده به سینما می‌رود و تصاویر یک رابطه جنسی را در برهنگی کامل می‌بیند حتی اگر اعتقاد به برهنگی هم نداشته باشد سبب دریدگی پرده‌های حیا در خانواده و روابط اجتماعی می‌شود. ظهور و رشد نودیست‌ها خود یک نمونه افراطی برهنگی است که هرروز حیطه حضورشان از ساحل‌ها به موزه‌ها و سایر اماکن عمومی هم باز شده است. خانواده‌ای که فرزندش از ابتدا در این وضعیت فرهنگی متولد می‌شود در برهنگی تنفس می‌کند، آیا از حق خود محروم نیست؟ این تناقض را معتقدین به آزادی انسان، چگونه توجیه می‌کنند. آیا کودک متولدشده در این محیط آزاد است؟ یا خیر؟

آیا تحت تأثیر محیط خانوادگی و اجتماعی‌اش، نظام ارزشی خاصی بر او جبر نمی‌شود؟ اگر آزادی است باید در این باشد که بتواند محیط رشد خود را آن‌طور که می‌خواهد انتخاب کند و می‌دانیم این اتفاق در کودکی که هنوز رشد عقلی کامل نشده امکان‌پذیر نیست. منادیان دروغین آزادی فقط با جایی مشکل دارند که فردی

در بستر و فضای فکری مذهبی رشد کند و نام آن را دکماتیسیم و تعصب دینی بگذارند. ولی هنگامی که در محیط، اندیشه‌ای شیطانی چون برهنگی تام و وجود دارد، نامش آزادی است. اینجا است که معنای حقیقی آزادی را که همان آزادی معنوی و رهایی از بند هواهای نفسانی و رفتن به سمت عقلانیت اجتماعی و دینی است می‌فهمیم.

حضور زنان زیباروی و خوش‌اندام در تصاویر رایج و تصویر کردن آن‌ها به‌عنوان موجودی که غایت سایرین دست یافتن به او برای روابط جنسی است، قوه شهوانی افراد دنبال‌کننده را هرروز بیشتر تحریک می‌کند. اگر فرد در ورطه فیلم‌های بزرگ‌سال و هرزه‌نگاری‌ها قرار بگیرد سقوط او تسریع می‌شود. چگونه مدافعان حقوق زنان اینجا وارد نمی‌شود؟ کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق بشر کجا هستند؟ اغلب روان‌شناسان و متفکران غربی این صنعت پورن را ظلمی به زن و سبب تنزل جایگاهش در اجتماع و عامل رشد خشونت علیه زن می‌دانند. ولی ابزار قدرت و ثروت برای تداوم خودش نه تنها این حرکت را متوقف نکرده بلکه هرروز افزایش داده است. ظهور واژه‌ای در ادبیات جنسی به نام دختران لولیتا که برگرفته از رمان مشهور لولیتا است، نشان می‌دهد که هیولای شهوت تنها با ارضای بی‌حدومرز پایان نمی‌آید و روزبه‌روز به تنوع جنسی آن‌ها افزوده می‌شود تا آنجا که جزایر مختلف مولتی‌میلیاردرهای آمریکایی جایی برای رابطه

دانست که این راه، راهی فرعی برای اطفای شهوت است. از سویی کاهش اعتمادپذیری افراد راه را برای رسیدن به آن؟ سخت می‌کند. همچنین بافت فرهنگی متفاوت جامعه ایرانی نیز مزید بر علت شده است. البته نتیجه‌گیری در این باره کار دشواری است و نیازمند تحقیق بیشتر است. برای نتیجه‌گیری کلی باید گفت که تحقیقات متعددی داریم که نشان می‌دهد بسیاری از اعتراضات و آزارهای فردی و اجتماعی حاصل از نبود راه‌حل مناسب برای نیاز جنسی است. مایکل جونز معتقد است رسانه‌های مدرن بخصوص هالیوود سبب تغییر علاقه و گرایش‌های جنسی و ایجاد انحرافات اخلاقی از جمله هم‌جنس‌بازی در غرب شده است. نبود راه‌کار مناسب برای چالش‌های جنسی در ایران سبب کاهلی جوانان و عدم آرامش روانی شده است. جامعه ما نیز به خاطر وجود حیای هم‌قایی بجایی حیای عقلائی و توجه به نیازهای جنسی در کنار سایر نیازها نیازمند تغییرات است. باید این فرهنگ که ازدواج و جماع زیاد از سنت پیامبران است در جامعه جایگاه بیشتری پیدا کند. گفت‌وگو پیرامون این مسئله می‌تواند جامعه را از انفجار جنسی در امان بدارد.

[۱] فایل ویدیویی آن در یوتوب وجود دارد.

[۲] مصاحبه منتشر شده در ایسنا

[3] Experiences of sexual harassment are associated with the sexual behavior of 14- to 18-year-old adolescents, Riittakerttu

[۴] امار از سایت مهرخانه

و کاهش سن ازدواج. بر اساس آمار مدیر دفتر اطلاعات ثبت‌احوال، بیش از یازده میلیون جوان داریم که در سن ازدواج قرار دارند و مجرد هستند که سهم مردان و زنان تقریباً برابر است؛ یعنی به ازای هر دو خانواده ایرانی یک جوان ازدواج‌نکرده وجود دارد. همچنین آمار ازدواج در سال ۹۶ چیزی حدود ششصد هزار نفر و طلاق هم حدوداً صد و هفتاد هزار نفر بود که البته این‌ها آمار طلاق واقعی است و نه طلاق عاطفی که آمار دقیقی از آن وجود ندارد. موانع متعددی در پیش روی ازدواج جوانان وجود دارد که معمولاً در اولین مورد که هم‌اثرات روانی و هم‌اثرات فیزیکی دارد مشکلات اقتصادی است. نرخ بیکاری جوانان تا ۲۹ سال در سال ۹۶ حدود ۲۲ درصد بود. ناپایداری ارزش پول ملی و حال‌وروز بد بسیاری از صنایع اقتصادی کشور باعث شده جوانان در آمد مشخصی برای برنامه‌ریزی شخصی نداشته باشند. [۴]

البته عوامل متعدد فرهنگی نیز وجود دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها بی‌اعتمادی خانواده و جوانان به یکدیگر است. عوامل ایجادکننده این بی‌اعتمادی یکی این حوادث متعدد جنایی و فسادهای رفتاری و اخلاقی است. خود تعداد زیاد طلاق‌ها باعث ترس از طلاق شده است. ۴۵ درصد آمار طلاق‌ها مربوط به ۵ سال اول زندگی است. ترس از عدم هم‌تایی فرهنگی و اخلاقی، رشد تنوع‌طلبی جنسی و وجود رقباتی جنسی در رسانه‌هایی چون ماهواره و فیلم‌های سینمایی و محیط پیرامون کاری و شهری خود بر این آمار افزوده است. رشد زنان مطلقه و ترس آن‌ها از ازدواج دوباره خود یک چالش فرهنگی است. پذیرا نبودن عرف جامعه برای ازدواج مجدد آن‌ها مشکلات روانی و اخلاقی مختلفی پدید آورده است. از طرفی در جریان نبودن خانواده‌ها از نیاز فرزندان‌شان و انتظارات زیاد اقتصادی خود، بر موانع ازدواج افزوده است.

این موانع باعث شده در بسیاری از نظر سنجی‌های دانشجویی دانشگاه‌های تهران، تعداد زیادی لااقل در نظر به ازدواج سفید و رشد آن در جامعه نظر مثبت داشته باشند. البته متشرعین نیز راه‌حل این مشکلات را در ازدواج موقت جست‌وجو می‌کنند. البته باید





# زنان تحصیل کرده و انقلاب اجتماعی

محمدامین برهانی/مکانیک ۹۳

والای خود بدون فوت وقت، ایران را به صورت مدرسه‌ای در آورند [۱]. اما دیگر دلایلی که موجب ایجاد احساس ظلم در بین زنان شده از نظر نگارنده بصورت زیر است.

۲. وجود مشکلات اقتصادی و تبعات روانی آن.

۳. نبود بستر سیاسی مناسب برای مطالبه زنان در فضای سیاسی حاضر.

۴. احساسات زدگی در شعار آزادی و برداشت غلط و تا حدودی ظاهری از آزادی که به سادگی سمت افراط و تفریط می رود.

۵. انباشت تبلیغات منفی و دروغین گسترده علیه انقلاب و نظام سیاسی حاکم.

۶. سیاسی برخورد کردن با خواسته های زنان و مسائل فرهنگی و اجتماعی آن ها.

۷. سکوت در برابر برخی از خواسته های روز زنان و بی اهمیت جلوه دادن صورت مسئله نیز به ایجاد احساس بی عدالتی در حق زنان دامن زده است.

در نظر رهبر انقلاب حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جوامع اسلامی و در جامعه ما حتما باید صورت بگیرد. زن در همه جوامع از جمله جامعه ما گرفتار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل می شود. این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی بند و باری نیست. کمبود معرفت و پیشرفت است. همچنین بارها تصریح کردند عفت زن مهم ترین عنصر برای شخصیت زن است. [۲]

اما آنچه که به عنوان راه حل بنظر می رسد کنار زدن زنگارهایی که به خاطر حجمه بی سابقه رسانه ای به حیا و شرافت زن صورت گرفته و بسیاری از کم اطلاعی ها با برگزاری کرسی های آزاد اندیشی راه را برای ارتقا اندیشه و عمل هموار می کند. توسعه سیاسی در جهت اثر گذاری بیشتر ارده عمومی و تلاش برای حل بعضی از صورت مسئله های بی جواب در حوزه آزادی به همه ما برای زندگی با آرامش و سعادت مندانه کمک می کند.

[۱] صحیفه نور، جلد یازدهم، صفحه ۱۶۱ مورخه هفتم دی ۱۳۵۸

[۲] گزیده ای از فیش های دیدارهای ایشان با جمعی از زنان

اعتراضات دی ماه اغلب با انگیزه های اقتصادی شروع شد ولی در ادامه انگیزه سیاسی بر آن غالب شد. در این وقایع زنان و دختران زیادی حضور داشتند. اولین باری نبود که زنانی در جنبش و اعتراض حضور دارند. ولی با رادیکال شدن برخی از این اعتراضات و نزدیک شدن به اغتشاش، انتظار می رفت حضور زنان کم رنگ شود ولی دختران و زنان زیادی در حرکات و شعارهای ساختار شکن فعال بودند. کمتر کسی است که با اصطلاح دختران خیابان انقلاب آشنا نباشد. قبل از این اتفاق چالش چهارشنبه های سفید، افکار عمومی با چنین جریانی آشنا کرده بود. در ماجرای دختران خیابان انقلاب زنان صریحا با قانون لازم الاجرای جامعه بصورت نمادین مخالفت می کردند. آن ها آشکارا به تبلیغ برهنگی سر پرداختند. کاری که در عرف و قانون به عمل خلاف عفت عمومی شناخته می شود. کمتر مسابقه فوتبالی مهمی است که در تهران برگزار شود و دختران با چهره سازی مردانه وارد ورزشگاه نشوند. اگر از دست های صحنه گردان غربی و داخلی صرف نظر کنیم در این چند وقت شاهد ظهور زنان و دخترانی هستیم که کمی دور از انتظار عمومی از یک دختر دست به فعالیت های رادیکال سیاسی می زنند.

از نظر فوکویاما، زنانی در ایران ظهور کردند که با حاکمیت ایران به راحتی مدارا نمی کنند. و علت آن را افزایش حضور دختران در دانشگاه و آگاه شدنشان از حقوق خود می دانست.

اما واقعیت ماجرا چیست؟ آیا حضور زنان در مراتب بالای تحصیلی و دانشگاهی عامل این اتفاق است و جمهوری اسلامی با باز کردن درب دانشگاه به روی دختران، راه را برای لرزاندن ارکان خود باز گذاشته است؟ آیا این وقایع نشانه هایی از یک انقلاب اجتماعی در ایران است؟ در مقاله بسیار کوتاه و موردی به بررسی علل این وقایع می پردازم.

۱. آگاهی افراد زمانی امنیت عده ای را به خطر می اندازد که بک محیط بسته هر چند نخبه سالار بر جامعه حاکم باشد و شفافیت جایگاهی در آن کشور نداشته باشد. در کشور ما باید تلاش کرد شفافیت بر بسیاری از تصمیم گیری ها و تایید ها و ردها حاکم شود. عدم دفاع قانع کننده قانون گذاران برای مصوبات خود و بسته بودن چرخه برخی اطلاعات در مسیر قانون گذاری سبب ایجاد حدی از بی اعتمادی اجتماعی شده است. البته در موارد زیادی نیز شفافیت وجود دارد ولی اطلاعات آن در بین مردم بصورت مناسب پخش نمی شود. یکی از آرمان های انقلاب اسلامی بالابردن سطح معرفت و سواد مردم بود. این را می شود در نامه امام خمینی در تشکیل نهضت سواد آموزی مشاهده کرد. "من از ملت عزیز امید دارم که با همت



# نقش مردم در حکومت اسلامی

امیرحسین حاجیان/مکانیک ۹۳

کاری جز نماز خواندن و دعا و ذکر گفتن نداشته باشیم، استعمارگران و دولت‌های جائر متحد آن‌ها هیچ کاری به ما ندارند.»

هدف از این مقدمه‌ی کوتاه و ذکر جملات حضرت امام (ره) این بود که ذهن خواننده‌ی محترم را با این جملات مهم درگیر کنم تا اهمیت تشکیل حکومت و به عبارت بهتر و صحیح‌تر ضرورت تشکیل حکومت برای رسیدن به اهداف عالی و واضح و روشن شود منتها مایلم قبل از اینکه وارد اصل بحث شوم این نکته را متذکر شوم که دلایل عقلی و محکمی برای اثبات ضرورت حکومت برای جوامع بشری وجود دارد که علاقه‌مندان می‌توانند آن را در کتب محققان این عرصه مطالعه نمایند.

در دوره‌ی معاصر علاوه بر حضرت امام (ره) افراد دیگری نیز بودند و البته هستند که در رد یا اثبات و تعیین حدود و ثغور ولایت فقیه لب به سخن گشوده و کتب و مقالات متعددی را نیز تألیف نموده‌اند؛ افرادی همچون آیت... منتظری، آیت... مصباح، آیت... جوادی آملی و... که بررسی نظرات آن‌ها خالی از لطف نیست اما در اینجا و بنا به ضرورتی که در ادامه به آن اشاره خواهم کرد، به بیان بخشی از نظرات آیت... مصباح به عنوان اصلی‌ترین متفکر معاصر مدافع «ولایت» فقیه (در مقابل و کالت فقیه و یا تعبیر دیگر) خواهم پرداخت.

ممکن است برخی از مخاطبان این مقاله با شنیدن نام مصباح یزدی از خواندن هر مطلبی که در مورد ایشان نوشته شده است پرهیز کنند ولی به آن دسته از عزیزانی که دأب شان بر این نیست که افراد را بدون شنیدن عقاید و نظراتشان مورد قضاوت قرار دهند پیشنهاد می‌کنم این متن را نقطه‌ی شروع بررسی آراء و نظرات ایشان قرار دهند.

آن چیزی که نویسنده را تهییج کرد تا قصد نوشتن چنین نوشته‌ای را بکند، این بود که متأسفانه در فضای دانشگاهی و خصوصاً دانشگاه صنعتی اصفهان شاهد این بودیم و البته هستیم! که توسط برخی از گروه‌ها و جریان‌ها نظرات آیت... مصباح به صورت ناقص بیان می‌شود و منتج به ایجاد ذهنیت و تصور کاملاً غلط از آراء و نظرات ایشان می‌شود. در وادی اخلاق و ادب، تقطیع معنادار سخنان فردی برای نیل به هدفی مشخص، از پست‌ترین رفتارها و نشانه‌ی استیصال این افراد از نقد منصفانه و علمی است؛ البته برای بنده پُر واضح است که چه نیست و هدفی در پس پرده‌ی این اعمال و رفتارها هست و این افراد راهی جز تخریب مخالفان برای غالب کردن اندیشه‌ی خود به دیگران ندارند ولی با توجه به گسترش این فضا، ضرورت پیدا کرد تا برخی از سؤال خیزترین نظرات ایشان را در این مقاله بیان کنم.

مهم‌ترین سرفصل در بررسی نظریه‌های مختلف نظام اداره کننده‌ی یک کشور (حکومت)، موضوع «نقش مردم در آن حکومت» است؛ به این معنا که مردم در مشروعیت و مقبولیت یک حکومت و حاکم آن چقدر مؤثر هستند. مشروعیت به معنای دادن حق حکومت کردن به حاکم و مقبولیت به معنای پذیرش، حمایت و همراهی مردم با حاکم است.

آیت... مصباح، امام و برخی دیگر از متفکرین معتقدند مشروعیت از جانب خداست و مردم و به عبارت دقیق‌تر «انسان» در آن هیچ نقشی ندارد حتی انسان کامل که وجود مقدس اهل بیت را شامل می‌شود. ادله‌ی مختلفی نیز برای درستی این مدعا ذکر می‌شود که تفصیل آن خارج از حوصله این مقاله است اما به‌طور خلاصه می‌توان این‌طور

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوعاتی که لازم است در فضای علمی دانشگاهی به آن پرداخت و آن را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد، نظریه‌ی مهم ولایت فقیه است.

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه خودشان می‌فرمایند: «هر کس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت.»

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که این نظریه دارد و امام نیز هم در این کتاب و هم در جلد ۲ «کتاب البیع» خودشان به آن اشاره می‌کنند این است که ولایت فقیه یک امر بدیهی و ضروری است و این جمله بدان معنا است که آن‌هایی که در اصل آن تشکیک می‌کنند یا از اسلام چیزی نمی‌فهمند و یا عامدانه منکر آن می‌شوند و از قبیل این انکار سود و فایده‌ای عایدشان می‌شود.

اما اهمیت این ایده وقتی مورد توجه قرار می‌گیرد که همچون زمان فعلی، این ایده بتواند در سطح اجتماع جامعه‌ی عمل به خود پوشد و حکومتی بر مبنای آن شکل بگیرد. متأسفانه با مطالعه‌ی تاریخ درمی‌یابیم که عده‌ای در اصل لزوم تشکیل حکومت تشکیک ایجاد کرده‌اند و حکومت را در بهترین شرایط امری مباح تلقی کرده‌اند؛ مثلاً آنارشیست‌ها معتقد بودند ضرورت حکومت ناشی از انحراف بی‌اخلاقی مردم است و بهتر است هزینه‌ای که برای ایجاد حکومت خرج می‌شود، صرف تربیت مردم شود تا نیاز به حکومت مرتفع شود! البته این نظر در طول تاریخ لطیف‌تر شده است و بایان ملازم تری توسط گروه‌های مختلف ابراز شده است به طوری که در همین زمان معاصر نیز می‌توان رد پای این نظر را در اعتقادات افرادی پیدا کرد.

حضرت امام در بخش دیگری از کتاب ولایت فقیه خودشان در پاسخ به این دسته از شبهات و اشکالات به نظریه ولایت فقیه می‌فرمایند:

«باید توجه داشته باشیم که اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و برقراری دستگاه اجرا و اداره، جزئی از ولایت است.

این را که دیانت از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده‌اند. اگر ما مسلمان‌ها



نخواهند نظام اسلامی محقق نخواهد شد و فقیه در اصل تأسیس حکومت خود هیچ گاه متوسل به زور و جبر نمی شود بلکه نظیر همه پیامبران و امامان، تنها در صورتی که خود مردم به حکومت وی تمایل نشان دهند دست به تشکیل حکومت خواهد زد. در این مورد هم نظیر همه احکام و دستورات الهی، مردم می توانند به اختیار خودشان آن را بپذیرند و اطاعت کنند و می توانند هم نافرمانی کرده، سرپیچی نمایند. البته مردم در طول تاریخ ملزم و مکلف بوده اند که به حاکمیت الهی و حکومت پیامبران و امامان تن دهند و حق حاکمیت آنان را به رسمیت شناخته بپذیرند و اگر نپذیرفته اند در پیشگاه خداوند گناه کار و معاقب خواهند بود.»

به طور خلاصه می توان گفت طبق نظر آیت... مصباح، مردم هیچ مشروعیتی به حکومت فقیه نمی دهند اما رأی و رضایت آنان باعث به وجود آمدن آن [تحقق عینی حکومت] می شود. کمک و همدلی مردم مؤثر در عینیت بخشیدن به حکومت - حتی حکومت پیامبر - است.

اگر کسی اندکی انصاف داشته باشد، تصدیق خواهد کرد که نه ایشان و نه هیچ عاقل و متفکری که در زمینه ی ولایت فقیه اظهار نظر کرده است، منکر نقش بی بدیل مردم نیست. در هیچ مکتبی این قدر برای مردم و تأثیر کنش ها و تصمیم های آن ها در سطح اجتماع ارزش و وزن قائل نبوده اند.

سعی بنده بر این بود که در این چند خط نوشته به طور مختصر به بیان نظر آیت... مصباح در زمینه ی نقش مردم در حکومت بپردازم اما ممکن است بیان بنده ناقص بوده باشد و منظور و مفهوم مورد نظر به درستی منتقل نشده باشد (البته امیدوارم که این چنین نبوده باشد!) اما باین وجود به علاقه مندان توصیه می کنم

جهت بررسی دقیق تر آراء و نظرات آیت... مصباح پیرامون حکومت اسلامی و نظریه ی ولایت فقیه، به کتاب «نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه» و همچنین کتاب «پرسش ها و پاسخ ها (جلد ۱)» ایشان مراجعه نمایند.

بیان کرد که یکی از اقسام توحید که باید به آن معتقد بود، توحید در ربوبیت تشریحی است؛ به این معنا که فقط و فقط خدا حق قانون گذاری و حکومت بر انسان ها را دارد (چرا که فقط خداست که مالک حقیقی انسان ها و کل عالم است) و هیچ انسانی حق حکومت بر خود و دیگران را ندارد مگر به اذن خدا. البته مشخص است که چون مجری قانون الهی نمی تواند مستقیماً خدا باشد چون او فرا مادی استنقش، پس نیازمند موجود مادی ای می شویم که با اذن خدا حکومت تشکیل دهد و قوانین او را روی زمین اجرا کند لذا است که خداوند به انسان هایی با ویژگی هایی خاص (که در اصطلاح به آن ها نام امام و ولی جامعه اطلاق می شود) برای انجام این وظیفه اذن حکومت می دهد.

خب اینجا سؤال پیش می آید که پس نقش مردم چه می شود؟ مگر معتقد نیستیم که انسان ها دارای اختیارند، پس کجا این ویژگی تجلی دارد؟ این سؤال کاملاً به جا است و با توجه به وجود قدرت اراده و اختیار در انسان باید این ویژگی فرصت بروز پیدا کند فلذا تا حاکمی مقبولیت از طرف مردم نداشته باشد، در عمل قادر به تشکیل حکومت نخواهد بود. به عبارت دیگر وظیفه ی بالفعل کردن اذن الهی به حاکم، به عهده ی مردم است؛ تا مردم نخواهند حکومت حقیقی تشکیل دهند، اصلاً چنین حکومتی شکل نخواهد گرفت؛ هر چند امام و ولی حقیقی در جامعه وجود داشته باشد.

آیت... مصباح در کتاب «پرسش ها و پاسخ ها (جلد ۱)» در همین زمینه و در مورد حکومت پیامبر اکرم (ص) می گویند: «نقش مردم در دو جنبه قابل بررسی است: یکی در مشروعیت بخشیدن به حکومت اسلامی و دیگری در عینیت بخشیدن به آن.

به اتفاق نظر مسلمانان مشروعیت حکومت رسول... (صلی... علیه و آله وسلم) از سوی خدای متعال بوده است؛ یعنی خدا حق حکومت را به ایشان عطا فرمود و رأی و نظر مردم هیچ نقشی در مشروعیت حکومت آن حضرت نداشت. ولی در تحقق حکومت پیامبر (صلی... علیه و آله وسلم) نقش اساسی از آن مردم بوده؛ یعنی آن حضرت با یک نیروی قهری حکومت خویش را بر مردم تحمیل نکرد، بلکه خود مسلمانان از جان و دل با پیامبر بیعت کرده، با رغبت حکومت نبوی را پذیرا شدند. کمک های بی دریغ مردم بود که باعث تحکیم پایه های حکومت پیامبر گشت.»

در تاریخ شواهد بسیاری را می توان نام برد که ولی برحق در جامعه حضور داشته است (مشروعیت) اما چون دعوت او از طرف مردم لیبیک گفته نشد و مردم او را حمایت نکردند (مقبولیت) دولت و حکومتی به وسیله او نتوانسته است شکل بگیرد. مهم ترین نمونه ی آن، پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و عدم همراهی مردم با امیرالمومنین (ولی برحق) است. در واقع حضرت علی (ع) از جانب خدا مأمور و منصوب به ادامه ی حکومت پیامبر اکرم (ص) بود ولی مردم او را حمایت نکردند. این واقعه بهترین و واضح ترین شاهد برای به تصویر کشیدن چگونگی نقش مردم در حکومت اسلامی است.

آیت... مصباح همچنین در کتاب «نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه می گویند:

«نسبت به تحقق و استقرار حکومت و حاکمیت فقیه در زمان غیبت امام معصوم (علیه السلام) باید بگوییم که این مسئله تماماً به پذیرش جامعه و مقبولیت مردمی بستگی دارد. یعنی این مردم و مسلمانان هستند که باید زمینه تحقق و استقرار این حاکمیت را فراهم کنند و تا مردم





# از دواج دانشجویی، فرصتها یا معضل‌ها؟

مینا خدایی/نساچی ۹۵

از دواج همیشه مقوله ایی جذاب و بحث برانگیز بین دختران و پسران بوده و هست و خواهد بود!

منظور از ازدواج دانشجویی، دانشجو بودن هر دو طرف است و گرنه که اگر فقط یکی از طرفین دانشجو باشند، بسیاری از ازدواج‌ها دانشجویی محسوب میشوند.

از دواج دانشجویی علاوه بر تمامی مزایا و خوبی‌ها، دارای ظرافت‌ها و مواردی هم هست که اگر یکی از دو طرف به آن توجه نداشته باشند ممکن است باعث دردسر شود و از معایب ازدواج دانشجویی به حساب آیند.

شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع ازدواج، شناخت و آشنایی با طرف مقابل باشد. البته که این شناخت جای بحث دارد که آیا منطقی و معقول بوده (که این شناخت مطلوب است و معمولا در ساختارهای خاص ارتباطی پدید می‌آید) و یا اینکه تحت تاثیر احساسات و هیجانات قرار گرفته‌اند و شناختی ظاهری و سطحی از یکدیگر پیدا کرده‌اند که ناگفته پیداست چنین شناختی آسیب‌های جدی در پی خواهد داشت.

یکسان بودن شرایط دو طرف مانند سن کم، شور و شوق جوانی، داشتن انگیزه و روحیه ایی سرزنده، تجربه کردن محیط دانشگاه و پیدا کردن شناخت اجتماعی، قرار گرفتن در محیطی یکسان، داشتن برنامه برای آینده و... همه چیزهایی هستند که باعث میشود دو طرف حرف یکدیگر را بهتر متوجه شوند و درک بهتری از هم داشته باشند.

از دواج دانشجویی به دلیل شرایط خاص خودش مستلزم شروعی ساده و بدون تجمل است که این خود بسیار پسندیده است و در صورت انتخاب این روش، مزایای زیادی هم برای خود زوج و هم اطرافیان دارد.

اول اینکه دو طرف با کم‌ترین نگرانی و دغدغه‌ی ذهنی میتوانند زندگی آرام و عاشقانه‌ای را شروع کنند و دوم اینکه چون دانشجو هستند توقعات و انتظارات از آنها کمتر خواهد بود و خانواده‌ها هم حمایت بیشتری خواهند کرد و به همین دلیل در پیش گرفتن ساده زیستی و حذف رسوم غیر ضرور، راه هموارتری خواهند داشت. سوم اینکه چون با قبول ساده زیستی، توانسته‌اند به موقع و در سن مناسب ازدواج کنند، به آرامش میرسند و زندگیشان دارای نظم و رنگ و بویی دیگر میشود و از همه مهم‌تر رحمت و برکت الهی بیش از پیش در زندگیشان خودش را نشان میدهد.

اگر بخواهیم تاثیر این مدل ازدواج را روی اطرافیان بررسی کنیم، میتوان به ایجاد سنت ساده زیستی، ازدواج در سن مناسب، از بین رفتن چشم و هم چشمی‌ها، پایین آمدن سطح توقع و... اشاره کرد.

از دواج در این سنین و با این شرایط مزایای دیگری هم دارد؛ از جمله اینکه هر دو نفر بخاطر جوان بودن و داشتن اندیشه‌های آرمانی، خود را درگیر مسائل بیهوده نمیکند و هر دو با هم برای ساختن زندگی مشترکشان با جان و دل تلاش میکنند و این باعث تحکیم پیوند و عشق و علاقه‌ی بیشتر آنها به یکدیگر میشود، ضمن اینکه وقتی زندگی خود را این چنین با چنگ و دندان ساختند به راحتی حاضر به از بین رفتن آن نمیشوند و برای بقایش تلاش میکنند و از طرفی کم‌اهمیت بودن مسائل مادی در نگاهشان باعث میشود که رنگ معنویت و عشق در بین آنها بیشتر شود.

اما واضح است که در این نوع ازدواج سختی‌هایی هم وجود دارد. زندگی دانشجویی مستلزم وقت‌گذاری زیاد برای درس می‌باشد و لازم است زوج دانشجو مدیریت بهتری برای زندگی و رفت و آمدها داشته باشند تا کیفیت رابطه‌شان تحت تاثیر عوامل بیرونی قرار نگیرد. مسئله دیگری تجربه‌ی بی‌تجربگی است که در این مورد از دانشجو انتظار می‌رود با مطالعه، بهره‌گیری از مشاوره و کسب علم در موارد مختلف، اثر این بی‌تجربگی را کاهش داده و از طرفی به این نکته توجه داشته باشند که همه‌ی انسانها در یک دستگاه

تربیتی قرار گرفته‌اند و قرار است که رشد پیدا کنند و به کمال مطلق برسند حتما از مشکلات به سادگی عبور خواهند کرد.

البته که تکلیف آقا پسر باید با خودش مشخص باشد و حداقل برنامه‌ای برای آینده‌ی خودش مدنظر داشته باشد. او باید بداند که باید از عهده مسئولیت یک زندگی برمی‌آید یا نه؟

همچنین دختر خانم باید بداند که با قبول این پیوند، چه وظایف و مسئولیت‌هایی را به عهده گرفته، شاید در ابتدا به علت خامی با وظایف خود آشنا نبوده و اشتباه کند ولی چون هر دو از صفر شروع کردند و شرایط مشابه دارند به خوبی در کنار هم رشد خواهند کرد. در هر صورت برای شروع یک زندگی پیدا کردن شناخت از یکدیگر بسیار اهمیت دارد و در رشد و پیشرفت زندگی تاثیر خواهد داشت. کفویت و هم‌تا بودن بسیار با اهمیت است و نباید به سادگی از کنار آن گذشت. امید است که همه‌ی جوان‌ها همتای خود را پیدا کنند و در کنار هم به کمال برسند.

# نگاهی به یک قانون

زهرامیر جلیلی / مکانیک ۹۵

۴. ارزش و احترام زن  
مرد به طور قطع از نظر جسمانی بر زن برتری دارد. ولی زن از حیث عاطفی همیشه برتری خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگاه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسایل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. (۲)

در انتها لازم است به این نکته اشاره شود که با وجود پذیرش یا عدم پذیرش قلبی حجاب مانند پذیرش یا عدم پذیرش اصل دین، یک مسئله فردی است، اما در مورد رعایت حجاب به عنوان حکمی اجتماعی (نه فردی) در جامعه و نظامی که مبنای فکری و ارزشی اش آن را لازم و واجب می داند، طرح بحث حجاب اجباری، منطقی نیست.

(۱) افکار نیوز

(۲) کتاب مسئله حجاب شهید مطهری

حجاب اجباری اصطلاحی است هوشمندانه و ترفندی است که مخالفان حجاب در این زمینه در پیش گرفته اند و مسئله را به نحو خاصی طراحی کرده اند که مخاطب، گرفتار نوعی بازی باخت-باخت شود. وقتی مسئله به این صورت مطرح می شود که «آیا اسلام طرفدار حجاب اجباری است؟» هر پاسخی، باخت محسوب می شود. اگر جواب «نه» باشد، یکی از واجبات اسلام که مورد اتفاق شیعه و سنی است، انکار می شود و اگر هم پاسخ «بله» باشد، باز هم بار منفی کلمه «اجبار» در دوره های که شعار آزادی مهم ترین محور ارزش گذاری ها شده است، از اسلام چهره های خشن می سازد و موجب می شود فضاهای عاطفی بر تحلیل منطقی غلبه کند. (۱)

مادر کشور ایران و نظام جمهوری اسلامی، قانون خاص خود را در رابطه با حجاب داریم. اساسا اسلامی بودن نظام ما به این معنا است که این حکومت باید در صدد پیاده کردن احکام اسلام باشد و این مطلبی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بدان تصریح شده است؛ «اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر عموم اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

پس حدود حجاب در جامعه ما باید مطابق نظر اسلام و قرآن تعیین شود.

باید به این نکته توجه داشت که در مسئله حجاب، مانند هر مسئله و حکم اسلامی دیگر، دلایل و منطق خاصی وجود دارد. در واقع فلسفه پوشش و حجاب از نظر اسلام می تواند دلیل مطرح شدن این موضوع را توضیح دهد که در ادامه بر اساس کتاب «مسئله حجاب» شهید مطهری به این موضوع می پردازیم. ایشان در کتاب خود چهار دلیل از نظر اسلام ذکر کرده اند:

۱. آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی و معاشرت های بی بندوبار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و آن را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد. روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است و اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد. پس کنترل نکردن، آن آرامش روحی و روانی را از بشر می گیرد که یکی از عوامل کنترل آن رعایت حجاب است.

۲. استحکام پیوند خانوادگی

مسئله مهم در رابطه با خانواده، لزوم ایجاد پاک ترین و صمیمی ترین عواطف بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی و اتحاد کامل در کانون خانواده است. تأمین این هدف وقتی ممکن است که زوجین از هر گونه بهره مندی از غیر همسر یا همسران قانونی چشم پوشند؛ مرد چشم به زن دیگر نداشته باشد و زن نیز در صدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر کادر خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت گردد.

۳. استواری اجتماع

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می کند که باز هم یکی از راه های عدم شکل گیری این اتفاق در رعایت حجاب است.

# من راشل کوری هستم (۱)



سید مهدی مدینه / برق ۹۳

راشل کوری (ریچل آلین کوری) یک دختر ۲۳ ساله مسیحی ساکن شهر الیمپیا ایالت واشنگتن آمریکا و دانشجوی کالج اورگرین بود. او در ابتدای ورود به دانشگاه به عضویت جنبش همبستگی بین‌المللی (ISM) درآمد و در اولین روزهای سال ۲۰۰۳ میلادی به همراه ۷ نفر از دوستان خود به عنوان یکی از فعالان جنبش، به رفح در جنوب نوار غزه رفت تا به عنوان یک ناظر صلح طلب مانع از ویرانی خانه‌های مردم مظلوم نوار غزه در فلسطین شود.

راشل در ۱۶ مارس ۲۰۰۳ (۲۵ اسفند ۱۳۸۱) تلاش می‌کرد به همراه هفت تن از دوستان خود مانع از تخریب یک خانه فلسطینی شود. او خود را مقابل خانه رساند و با استفاده از یک بلندگو از راننده بولدوزر خواست تا از حرکت بایستد، اما راننده همچنان پیش می‌آمد. راشل به عقب بازگشت. تلی از خاک در برابرش قرار داشت. به زمین خورد و راننده به حرکت خود ادامه داد و راشل را با قساوت تمام زیر چرخ‌های خود گرفت و از روی پیکر او رد شد. سپس تیغه‌های بولدوزر را پایین آورد و به عقب حرکت کرد.

راننده بولدوزر پس از آن حتی پیاده هم نشد. شاهدان عینی گفتند لبخند هم زده است. بعدها رسانه‌های صهیونیستی نوشتند که راشل در نقطه کور دید راننده قرار داشته است. حتی یک روزنامه رژیم اشغالگر قدس نوشت: «راشل خودکشی کرده است!»

راشل در این دو ماه حضور خود در فلسطین اشغالی و نوار غزه، توسط ایمیل و تلفن با خانواده‌اش ارتباط داشت و ۷ ایمیل برای مادرش فرستاد. در شماره قبل ترجمه دو ایمیل او به خانواده‌اش را آوردیم و در این قسمت ترجمه ایمیل اول و قسمت اول ایمیل دوم را می‌آوریم.

برای خواندن قسمت قبل به مقاله من راشل کوری هستم (۱) در سایت [jadiut.ir](http://jadiut.ir) مراجعه کنید.

## ترک الیمپیا ژانویه ۲۰۰۳

همه ما یک روزی به دنیا آمده‌ایم و یک روزی هم می‌میریم. به احتمال زیاد با درجاتی تنها هستیم. اگر تنهایی و یکنواختی ما یک تراژدی نیست، چیست؟ مگر غیر از این است که تنهایی ما چیزی است که به ما اجازه می‌دهد حقیقت را بدون ترس بیان کنیم؟ مگر غیر از این است که تنهایی ما چیزی است که به ما امکان ماجراجویی می‌دهد. تا دنیا را به عنوان یک حضور پویا تجربه کنیم.

اگر من در بوسنی یا رواتندا یا مانند اینها زندگی می‌کردم، مرگ ناگهانی و بدون دلیل برای من دور از انتظار نمی‌بود. این یک تشبیه و خیال نیست، بلکه یک واقعیت خواهد بود.

و من هیچ حقی برای این استعاره ندارم. اما من از آن برای دلداری دادن به خودم استفاده می‌کنم. برای معنی بخشیدن به چیزی بسیار بزرگ و بی‌مورد. این یک واقعیت است. این واقعیتی است که من برای آن کل زندگی‌ام را با تمام امتیازاتش اهدا می‌کنم.

توانایی من در حدی نیست که آب‌های جوش را در روسیه خنک کنم. من نمی‌توانم پیکاسو باشم. من نمی‌توانم عیسی مسیح باشم. من نمی‌توانم به تنهایی سیاره را نجات دهم. من می‌توانم ظرف‌ها را بشویم.

## ایمیل از فلسطین ۷ فوریه ۲۰۰۳

سلام به همه دوستان، خانواده و دیگران، من به مدت دو هفته و یک ساعت در فلسطین بوده‌ام، و هنوز کلمات اندکی برای توصیف آنچه می‌بینم دارم. وقتی که می‌خواهم به ایالات متحده نامه بنویسم، فکر کردن به اتفاقاتی که اینجا می‌افتد برای من بسیار سخت است. تقریباً چیزی مانند دروازه مجازی ورود به تجمّل.

من نمی‌دانم که آیا تا به حال کودکان زیادی در اینجا وجود داشته‌اند که جای سوراخ شلیک تانک در دیوارهای خانه‌شان نباشد؟ و برج‌های ارتش اشغالگر که دائماً در دید آن‌ها است و آن‌ها را همیشه تحت نظر دارد. هر چند که کاملاً مطمئن نیستم، اما من فکر می‌کنم که حتی کوچک‌ترین این کودکان نیز می‌فهمند که زندگی در هیچ جای دنیا مانند اینجا نیست.

دو روز قبل از اینکه به اینجا بیایم یک کودک هشت ساله، توسط یک تانک اسرائیلی به ضرب گلوله کشته شد و بسیاری از بچه‌ها به من گفتند که نام او علی بود و یا پوست‌های او روی دیوار را به من نشان می‌دادند...

این کودکان همچنین دوست دارند که با من عربی تمرین کنند و از من می‌پرسند «شارون چطور است؟» - «بوش چطور است؟» و وقتی می‌گویم «بوش مجنون» (بوش دیوانه است) «شارون مجنون» (شارون دیوانه است) به عربی محدود من می‌خندند. البته این دقیقاً آن چیزی نیست که من به آن باور دارم و برخی از بزرگ‌سالان که انگلیسی بلدند جمله مرا اصلاح می‌کنند: «بوش یک تاجر است.»

امروز من سعی کردم که یاد بگیرم که بگویم «بوش یک ابزار است»، اما من فکر نمی‌کنم که توانستم کاملاً درست ترجمه کنم. اما به هر حال، بچه‌های هشت ساله در اینجا بسیار بیشتر از چند سال پیش

به عنوان مثال، من در رفح هستم، شهری با جمعیت حدود ۱۴۰،۰۰۰ نفر که تقریباً ۶۰ درصد آن‌ها پناهنده هستند (بسیاری از آن‌ها برای بار دوم یا سوم پناهنده هستند). رفح قبل از سال ۱۹۴۸ هم وجود داشت اما بیشتر مردم اینجا کسانی هستند (یا فرزندان کسانی هستند) که از خانه‌های خود در فلسطین تاریخی (که اکنون اسرائیل نامیده شده) جابجا شده‌اند. وقتی صحرای سینا به مصر بازگردانده شد، شهر رفح به دو نیم تقسیم شد.

در حال حاضر، ارتش اسرائیل در حال ساخت یک دیوار با چهارده متر ارتفاع بین رفح در فلسطین و مرز است و خانه‌های موجود در امتداد مرز را از بین می‌برد. بنا به گزارش کمیته مردمی پناهندگان رفح، شش صد و دو خانه به‌طور کامل تخریب شده‌اند. تعداد خانه‌هایی که تا حدی ویران شده‌اند، بیشتر است.

من، از کارکرد ساختار قدرت جهانی آگاهی دارند. با این حال، هیچ‌گونه مطالعه یا حضور در کنفرانس‌ها، مشاهده مستند و سخنرانی‌ها نمی‌توانست مرا برای واقعیت وضعیت اینجا آماده کند. شما نمی‌توانید آن را تصور کنید مگر آنکه آن را ببینید - و همچنین شما همیشه باید به خوبی آگاه باشید که تجربه شما در مورد چیزی تمام واقعیت آن چیز نیست. با دانستن این واقعیت که ارتش اسرائیل با چه مشکلاتی مواجه می‌شود اگر به یک شهروند آمریکایی غیر مسلح شلیک کند و با دانستن این واقعیت که وقتی ارتش اسرائیل چاه‌های آب را تخریب می‌کند، من برای خریدن آب پول دارم و البته این واقعیت که من امکان ترک اینجا را هم دارم. هیچ کس در خانواده من تا به حال در هنگام رانندگی توسط یک خمپاره‌انداز موجود بر روی یک برج واقع در انتهای یک خیابان اصلی شهر من، مورد اصابت قرار نگرفته و کشته نشده است. من یک خانه دارم. من مجاز به دیدن اقیانوس هستم. ظاهراً هنوز سخت است که من ماه‌ها یا سال‌ها بدون محاکمه زندانی شوم (این به این دلیل است که برخلاف بسیاری از افراد دیگر، من یک شهروند آمریکایی سفیدپوست هستم)، وقتی از خانه به سمت مدرسه یا محل کار حرکت می‌کنم، نسبتاً مطمئن هستم که سربازان مسلحی در یک ایست و بازرسی در بین راه، بین خلیج Mud و مرکز شهر اولیمپیا، با قدرت تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا می‌توانم به محل کار بروم و یا اینکه پس از اتمام کارم، آیا می‌توانم دوباره به خانه برگردم، وجود ندارند.

بنابراین، اگر من نسبت به ورود و حضور مختصر و ناقص به دنیایی که در آن این کودکان وجود دارند خشمگین شوم، نمی‌دانم برای آن‌ها چطور خواهد بود که وارد دنیای من شوند.

آن‌ها می‌دانند که کودکانی که در ایالات متحده زندگی می‌کنند، اعضای خانواده‌شان معمولاً مورد اصابت گلوله قرار نمی‌گیرند و می‌دانند که آن کودکان گاهی اوقات به تماشای اقیانوس می‌روند؛ اما زمانی که شما اقیانوس را دیدید و در یک مکان آرام زندگی کردید، جایی که آب تصفیه شده در شب توسط بولدوزرها از بین نمی‌رود و شما فکرش را هم نمی‌کنید که هنگامی که شب را سپری می‌کنید ممکن است دیوارهای خانه‌ی شما به‌طور ناگهانی به داخل فروبریزد و شما را از خواب بیدار کند و وقتی که شما گروهی از مردم را ملاقات می‌کنید، آن افراد هرگز کسی را از دست نداده باشند و زمانی که شما واقعیت دنیایی را تجربه کرده‌اید که توسط برج‌های مرگبار، تانک‌ها، «شهرک‌های مسلح» و در حال حاضر توسط یک دیوار فلزی عظیم محاصره نشده است، من نمی‌دانم که آیا شما می‌توانید دنیا را برای تمام سال‌هایی که دوران کودکی خود در آن سپری شده‌است، ببخشید؟ - تنها مقاومت موجود - در مقابل خفقان پیوسته چهارمین ابر قدرت نظامی جهان که توسط تنها ابر قدرت

جهان حمایت می‌شود - که آن تلاش می‌کند تا شما را از خانه خودتان بیرون کند. این چیزی است که من در مورد این بچه‌ها تعجب می‌کنم. من تعجب می‌کنم که اگر آن‌ها واقعا می‌دانستند، چه اتفاقی می‌افتاد؟



# بازگشت به فلسطین

محمدحسین دهقانی / مکانیک ۹۳

در پاسخ باید گفت هر جایی که مسلمانان در استضعاف قرار گرفته‌اند و توسط حاکمان آن مناطق مورد تجاوز و تعدی قرار می‌گیرند وظیفه دینی هر انسان است که در حد توان خود به آن‌ها کمک کند. اسلام ملیت نمی‌شناسد امت واحده بر همین تحلیل بر مسلمانان اطلاق می‌شود. اما اهمیت مسئله فلسطین آن را از برخی جهات خاص می‌کند. فلسطین و سرزمین‌های اشغالی خط مقدم مبارزه با تمام استکبار، سلطه بر جهان است. چرا که در تقابل مستقیم با صهیونیسم جهانی و سلطه وحشیانه آمریکایی است. اگر مسئله فلسطین حل شود قطب اصلی کفر و استکبار از بین رفته است. از بعد از آن می‌توان از صلح سخن گفت.

اگر مسلمانان جهان با هم متحد شوند، دولت‌هایشان آنطور که امام خمینی گفتند اتحاد جماهیر اسلامی را تشکیل دهند، اسرائیل در برابر بیش از یک میلیارد انسان که از حق خود کوتاه نمی‌آیند چه می‌تواند کند؟ اما حیف که دنیای اسلام در گیر منافقانی چون آل سعود شده است. وهابیت فرزند نامشروع این تفکر از ابتدا تقابل خود را با اسلام انقلابی قرار داده است. کجا شده که یک فتوا علیه حملات غربی‌ها به کشورهای اسلامی بدهد. علیه آمریکایی‌ها در عراق، اسرائیلی‌ها در فلسطین و ... آن‌ها حتی با اسلامی که با آمریکا و صهیونیسم توافق دارد نیز کاری ندارد. از ابتدا شروع این جریان در تاریخ معاصر شاهد برپایی جنگ و خونریزی علیه مسلمانانی هستیم که با جبهه حقیقی کفر در حال مبارزه‌اند.

کوین برت پژوهشگر و نویسنده آمریکایی که در هفته گذشته به دانشگاه آمده بود سخن خود را چنین آغاز کرد که امروز از اینکه آمریکایی هستیم متأسفم. او یک آزاده است. کسانی که در تابعیت و مشایعت صهیونیسم بودند در این جنایات روز نکبت که ده‌ها نفر به شهادت رسیدند، آن‌ها نیز مقصر اند. کسانی که به نفع صهیونیسم قلم می‌زدند، از آن‌ها دفاع می‌کنند؛ می‌توانستند اعتراض کنند و آگاهی ببخشند و این کار را نکرده‌اند؛ آن‌ها نیز مقصرند.

اما آنچه روزه‌روز در حال نزدیک شدن است، نابودی این نقشه جعلی است. امروز اسرائیل از هر زمانی بیشتر در گیر مشروعیت خود است. از ابتدا با این مسئله درگیر بود ولی اکنون شاهدیم که در اروپا جریان‌هایی عدالت طلب آغاز شده که اعمال این رژیم را محکوم می‌کنند. آن‌ها را ظالم و غیر مشروع می‌دانند و این آگاهی در حال افزایش است. مدافعان قدیمی این رژیم نیز بیشتر سکوت می‌کنند. در برابر افکار عمومی کشورهای خود لااقل به ظاهر مجبور به محکوم کردن هستند. برای برپایی حکومت عدالت جهانی که امید همه مستضعفین عالم است ایستاده دست به دعای ظهور حضرت حجت برمی‌داریم و قدم‌هایمان را محکم‌تر می‌کنیم.

در آیه ۴۳ بقره آمده: «آن قبله را که روبروی آن می‌ایستادی دگرگون کردیم، جز بدان سبب که آنان را که از پیامبر پیروی می‌کنند از آنان مخالفت می‌ورزند باز شناسند.»

خداوند هدف از تغییر قبله مسلمانان را امتحان الهی برای شناخت سره از ناسره معرفی می‌کند. اما مسلمانان امروز در امتحانی بس دشوارتر قرار گرفته‌اند. این بار قبله اول مسلمانان مورد تاخت و تاز صهیونیسم قرار گرفته است و این امتحان تا به امروز برای غاصبان بیت‌الله الحرام مردودی به بار آورده.

اینجا است که برای پیروی از رسول باید بین عیش و خوشی یا سختی و جهاد یکی را انتخاب کنی. یا از مسلمانان اخراج شده از سرزمین مادری دفاع کنی یا از جبهه استکباری (که در صورت عدم انتخاب شرایط را بر تو سخت می‌کند). شاید مجبور شوی به شعب بروی، در تحریم شدید اقتصادی قرار بگیری ولی دست از ایمان خود و از حق مسلمین و عدالت که یکی از اساسی‌ترین پایه‌های دین است، برنداری.

زمانی کشورهای عربی چون مصر علیه اسرائیل به پا خاستند، اما با دیدن دندان‌های تیز آن‌ها، پا به فرار گذاشتند؛ مذاکره کردند و از حقوق خود کوتاه آمدند. تاریخ نشان داد که در مسئله فلسطین خون و نژاد دیگر نمی‌تواند کارساز باشد. تاریخ مصرف آنکه به خاطر عرب بودن کسی به کمکش بروی تمام شده است. کسانی امروز در خط مقدم مبارزه قرار دارند که انتخابشان ریشه در عقاید محکم الهی و پیروی از پیامبر اکرم دارد. ایران از ابتدای انقلاب اسلامی چهل سال است یک‌بار هم از خواسته برحق خود که دفاع از حقوق مردم مظلوم فلسطین است کوتاه نیامده است و رهبران، فلسطین را مسئله اول دنیای اسلام دانسته‌اند. هر چند بسیاری تلاش کردند این موضوع مهم را مسئله اعراب بدانند و گفتند به ایران ربطی ندارد. البته جهان خواری صهیونیسم موضوع فقط اسلامی هم نیست. اسرائیل برای همه کشورهای منطقه خطر است. کشوری که مرزهایش را هر طور که بخواهد جابه‌جا می‌کند، سرزمین دیگران را غصب می‌کند و ساکنان آنجا را فراری می‌دهد. جبهه استکبار به رهبری آمریکا نیز به صورت غیرقابل توجهی همراه این جریان قرار گرفته است و مسائل قانونی و بین‌المللی را به نفع صهیونیسم رقم می‌زند. هر جا که اسرائیل برود آنجا می‌شود مرزهای آن کشور و به سرعت قوانین جهانی بر این اساس تغییر می‌کند.

اما این سؤال مهم شاید پیش آید چرا مسئله فلسطین این چنین مهم است؟ مسلمانان رو به‌نگین در سرزمین خود که صدها سال در آن می‌زیستند، دیگر حق شهروندی ندارند. زنانشان را برای تجاوز به کمپ‌های نظامی می‌برند و مردانشان را به بردگی می‌گیرند. با قانون شهروندی ۱۹۸۲ حق شهروندی از آن‌ها سلب شده است، گرچه در برخی مواقع موقتاً به آن‌ها کارت ملی داده شده است ولی این جنایت‌ها به صدها هزار رو به‌نگینی هنوز ادامه دارد. چرا این مسئله به جدیت فلسطین نیست؟

